

آگاهی

پس از طبع کتاب دستور نگارش در عناوین تغییراتی حاصل گردیده که برای اطلاع محصلین عین نظامنامه را در خاتمه کتاب ذیلاً مینگاریم

در عناوین

ماده اول - کلیه عناوین موجوده ملغی و بجای آنها بطریق ذیل استعمال خواهد شد :

الف - شاهنشاه ایران - اعلیحضرت همایون شاهنشاهی

ملکه ایران علیا حضرت

ولیعهد ایران والا حضرت همایونی

شاهپورها و شاهدختها والا حضرت

ب - رئیس الوزراء - رئیس مجلس شورای ملی - وزراء - سفراء

کبار - ولات - وزراء مختار - کفیل وزارتخانه ها - رؤسای ادارات مستقل

و معاونین وزارتخانه ها : - جناب و در موقع خطاب : جنابعالی - سایرین

بلا استثناء آقا یا خانم و در موقع خطاب : شما

تبصره - شاغلین سابق مقامات مذکوره در قسمت « ب » نیز دارای

عناوین فوق خواهند بود .

ماده دوم - عناوین شهرها ، مثل دارالخلافه طهران و وزارتخانه ها

مثل وزارت جلیله داخله و ادارات مثل اداره محترمه صحیه ، یا بستخانه مبارکه

و غیره بکلی موقوف است .

ماده سوم - انواع عناوین و صفاتی که قبل از اسم گذارده میشد

مثلاً حضور مبارک ، یا مقام منبع و ساحت محترم و غیره ، یا آنچه بعد از

اسم گذارده میشد ، از قبیل شیدالله ارکانه و دامت عظمت و غیره و کلمات

مشرف گردد و غیره ملغی است فقط منحصرأ قبل از عنوان اعلیحضرت همایون

شاهنشاهی و علیا حضرت و والا حضرت همایونی کلمه پیشگاه استعمال میشود

ماده چهارم - عناوین از قبیل : میرزا خان - بیک و امیر ، چه قبل از اسم و چه بعد از اسم بکلی باید متروک شود :

ماده پنجم - عناوین سلاطین و رؤسای جمهور و مامورین ممالک خارجی از قرار ذیل است :

۱ - عنوان امپراطور ها - اعلیحضرت امپراطوری .

۲ - عنوان پادشاهان - اعلیحضرت

۳ - عنوان ولیعهد ها ، نایب السلطنه ها ، برنسهائی که سلطنت میکنند ،

نظام حیدر آباد و مهاراجه های مستقل که در هندوستان سلطنت دارند

والاحضرت

۴ - رؤسای جمهور - حضرت

۵ - رؤسای وزراء ، رؤسای مجلس ها و وزراء سفرای کبار و وزراء

مختار جناب

حذف کلمه « تشکیلات » و « مملکتی »

حسب الامر مطاع همایونی لفظ مملکتی در عنوان ادارات و نیز کلمه

تشکیلات که در عناوین بعضی ادارات ضمیمه است زاید و باید موقوف گردیده و عنوان چنین باشد :

۱ - اداره کل نظمی - اداره کل امنیه - اداره کل احصائیه و سجل احوال

۲ - اداره کل ثبت اسناد و املاک - اداره کل صحیه

در خاتمه بموجب متحد المال رسمی دولتی القاب اسماء که پس از

اعتماد استعمال میشود مانند رأس و ثوب و طاقه و غیره نیز مانعی گردیده است

توانا بود هر که دانا بود

دستور نگارش

دوره ابتدائی

مخصوص کلاسهای پنجم و ششم دبستانها

تألیف

حسین امید

(سر دبیر نامه تبریز و دبیر دبیرستانهای دولتی)

چاپ اول

حق طبع و تقلید و اقتباس ممنوع و محفوظ و تجدید طبع

دائمی مخصوص است به

کتابخانه‌های

سعدی و پروین

تبریز

تبریز مطبعه امید

— (بنام یزدان پاک) —

بخش نخستین - دستور انشاء

تعریف - علم انشاء دستور هائی بما یاد میدهد که میتوانیم افکار خود را بخوبی بواسطه الفاظ اشکار سازیم.

افکار و خیالات شما پنهان است و ناچارید که آشکار کنید یا باید حرف بزنید تا فکر شما معلوم شود یا چیزی بنویسید تا دیگران بخوانند و افکار شما را بدانند

حرف زدن همیشه ممکن نیست دوست شما در شهر دیگر است شما از خانواده خودتان مفارقت کرده و بسفر رفته اید برای ابراز (۱) افکار خودتان جز نامه نگاری وسیله ای نخواهید داشت،

در آتی هر کاری که پیشه کنید ناچار خواهید بود نامه بنویسید و بدیگران مقاصد (۲) و افکار خودتانرا بواسطه نامه برسانید پس سعی کنید که قواعد انشاء را یاد بگیرید تا بتوانید بخوبی از عهده اشکار برآئید. نویسنده خوب باید دستور زبان فارسی را نیک بداند و از نگارشهای نویسندگان بزرگتر یاد بخواند و شرایط انشاء را حفظ کرده و از عیوب انشاء دوری نماید .

شرایط انشاء - نویسنده باید شرایط ذیل را مراعات کند :

۱ - کلمات و الفاظ معمولی بکار برد و از استعمال کلمات (۱) وحشی و غیر معمول دوری کند ؛

۲ - الفاظی که در انشاء بکار میبرد بگوش و زبان سنگین نیاید [۲] ؛

۳ - يك كلمه را حتى الامكان مكرر نكند ؛

۴ - بیش از حد مختصر ننویسد ؛

ه - تفصیل زیاد ندهد .

عیوب انشاء - نویسنده باید از عیوب ذیل خود داری نماید :

۱ - استعمال کلمات قبیح و وحشی ؛

۲ - مراعات نکردن قواعد دستور (۳) ؛

۳ - طول کلامی که خواننده را خسته و کسل کند ؛

۴ - اختصاریکه مطلب مفهوم نشود ؛

۵ - جملات انشاء بهم دیگر مربوط نگردد ؛

تقسیم انشاء - علم انشاء بچندین علم تقسیم میشود که سه قسمت

از آنها را باختصار شرح میدهیم :

نامه - روایت - وصف

نامه - نامه وسیله ایست برای خطاب کردن شخص غایب و در اینحال

قلم جانشین زبان است . با دوستان غایب و زمرگان خانواده خود که از

شما دور است بواسطه نامه حرف میزنید .

۱ - مانند کژاغند (لیاس جنگ) ۲ - چهچمیدن ۳ - مانند ابن جماعه (بیابان)

زود گفت او) یا (هر شخص نمیتواند)

کسیکه نامه مینویسد «نامه نگار» یا کاتب و شخصیکه نامه باو نوشته میشود «نامه ستان» یا مخاطب گفته میشود.

طرز نگارش و لحن (۱) مکتوب بسته بمقام (۲) نامه نگار و نامه ستان فرق میکند.

روایت - موضوعی است که نویسنده واقعه‌ای را بقلم آورده و جزئیات آنرا شرح میدهد.

موقعیکه شما بگردش میروید هرچه دیده و شنیده و گفته‌اید می‌خواهید بنویسید درحقیقت روایتی مینویسید یا حکایتی شفاهاً (۳) بشما گفته و دستور داده اند که بنویسید شما در آنحال روایتی خواهید نوشت.

وصف - بیان خوبی و بدی يك منظره ، يك شخص ، يك عادت را وصف گویند شما اگر بخواهید فصل بهار را تعریف کنید ، شب ماهتاب را شرح دهید ، دروغگوئی را مذمت نمائید ، راستگوئی را مدح کنید ، موضوع وصف خواهید نوشت .

موضوع انشاء را چگونه باید نوشت - موضوعیکه در نظر دارید بنویسید هرچه باشد خواه نامه خواه قصه خواه وصف لازم است در نوشتن نکات ذیل را در نظر بگیرید .

اولا - نخست در اطراف آن کمی فکر و اندیشه کنید مثلاً اگر میخواهید نامه بنویسید در نظر بگیرید که نامه ستان نسبت بشما



چه مقامی را دارد چگونه باید نامه را شروع کنید و چه مطلبی در آن بنویسید و چگونه آنرا پایان برسانید یا اگر میخواهید مضرات همنشینی با بدان را شرح دهید فکر نمائید که چه حکایاتی در اینخصوص شنیده یا خوانده اید تا فکر کامل متوجه موضوع نشده شروع نوشتن نکنید.

ثانیاً - در کاغذ مسوده آنچه فکر کرده اید مینویسید البته لازم نیست که شرایط انشاء را ملاحظه نموده و از عیوب انشاء دوری نمائید.

ثالثاً - پس از تمام کردن یکی دو مرتبه آنچه نوشته اید میخوانید هر جا غلطی بنظرتان رسید اصلاح مینمائید. اگر دیدید جایی مطلب مفهومی نیست تغییر میدهید هر گاه دو مرتبه خواندن را کافی ندانستید دفعه سوم بلکه چهارم بخوانید هر جا قابل اصلاح است اصلاح نمائید.

رابعاً - چون اصلاح انشاء تمام گشت و مطمئن [۱] شدید که عیبی نیست با دقت تمام با کنویسی مینمائید.

خامساً - پس از با کنویسی نیز لازم است یکمرتبه دیگر خواند که ممکن است سقطی (۲) باشد یا اشتباهی موقع با کنویسی اتفاق بیفتد.

نامه نگاری

در هر نامه هشت قسمت است : تاریخ - آغاز [۳] - مقدمه - مطلب - پایان (۴) - امضاء - عنوان نامه-ستان- عنوان نامه نگار .

تاریخ نامه را بالای صفحه ، سمت راست با چپ بگذارید ، تاریخ

۱ - خاطر جمع . ۲ - افتادن کلمه یا حرف ۳ - افتتاح ۴ - خاتمه.

عبارتست از تعیین روز و ماه و سال تاریخ کتابت. [۱]

بفاصله چند بهر (ساتیمتر) پائین از سمت راست مکتوب را شروع مینمائید نخست آغاز نامه را مینویسید، آغاز نامه، کلمه یا جمله ایست که نامه بواسطه آن شروع میشود مانند دوست عزیزم، پدر مهربانم، خواهر عزیزم.... پس از آن دو بهر (ساتیمتر) فاصله داده شروع بنوشتن نامه میکنید.

قبل از مطلب، که مقصود اصلی از نوشتن مکتوب آنست مقدمه ای مینویسید. مقدمه عبارتست از جمله یا عبارتی که دلالت مینماید بر وصول مکتوب مخاطب یا اظهار ارادت.

پس از آنکه مطلب را نوشتید در پایان عبارتی که میفهماند نامه بانجام رسید مینویسید مانند (زیاده جسارت است) یا (در پایان احترامات فائقه را تقدیم میدارد) و امثال آن.

پس امضاء مینمائید. امضاء باید آشکار و خوانا باشد. در نوشتن نامه مواظب باشید که سطرها راست و مستقیم بوده و از همدیگر فاصله داشته باشند در کلمات غلط املائی نشود و در حاشیه نامه چیزی ننویسید و از طرفین نامه فاصله (۲) را حفظ کنید و جزئی از کلمه را در یک سطر و جزء دیگر در سطر دیگر ننویسید.

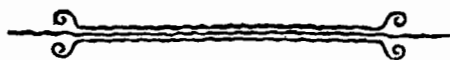
پس از تمام شدن نامه کاغذ را توی پاکت میگذارید و در روی پاکت عنوان نامه سنان را مینویسید .

در عنوان نامه سنان نام شهر، خیابان و کوچه‌ای را که نامه سنان در آنجا ساکن است نوشته و سپس نام مخاطب را با پاره القابی که محض احترام مینویسند، بنویسید .

عنوان نامه نکار را ممکن است در خود نامه یا در روی پاکت نوشت .

نامه نکار کوچه و محل و شهر مسکونی و نام خانوادگی خود را مینویسد و آن را « آدرس فرستنده » نیز گویند چنانکه عنوان نامه سنان را « آدرس گیرنده » هم می‌نامند .

پس از آنکه روی پاکت را نوشتید پاکت را چسبانیده و و هرگاه نامه را بواسطه پست (۱) ارسال میدارید تمبر را بهمان طرفی که آدرس نوشته‌اید می‌چسبانید .





محض نمونه ، نامهای با تجزیه قسمت های آن نوشته میشود .

نمونه نامه

تاریخ

اول بهمن ماه ۱۳۱۳

مقدمه

آغاز نامه

(دوست بزرگوارم) (مراسله ای که با فتخار این
بنده مرقوم فرموده بودید ، زیارت گردید چندین بار خواندم
مطلب
و در هر دفعه لذتها بردم) ، راستی ! انسان زمانی قدر نعمت
میداند که از دست برود ، پرشی از حال فرموده و با بیان
ملایم ملائم کرده بودید که از یاد دوستان غافل و نسبت
به آشنایان فراموشکارم . صفات پسندیده جنابعالی فراموش
شدنی نیست اشتغال بتحصيل مانع نامه نگاری است . امیدوارم
بعد از این گاه گاهی با چند کلمه اظهار حیات کرده و
مراتب ارادت خود را اثبات (۱) نمایم .

پایان

(با آرزوی دیدار عریضه خود را حاتمه میدهم) .

امضاً

(احمد فانی)

نمونه روی پاکت

تبریز خیابان تربیت حضور مبارك جناب مستطاب آقای حسن خان شرافت دام اقباله	جای تمبر
فرستنده: طهران خیابان سپه احمدقانی	

اقسام نامه

نامه یا خصوصی است یا اداری .

نامه های خصوصی آنهایی هستند که افراد خانواده ، دوستان بهمدیگر مینویسند .

نامه های اداری یا رسمی آنست که بادارات دولتی یا مؤسسات ملی نوشته میشود و بطور کلی نامه هایی که جنبه اداری و رسمیت دارند .
در نامه های رسمی ، آغاز و مقدمه و پایان لزومی ندارد و اغلب بجای آغاز ، عنوان نامهستان را هم در بالای نامه و هم در روی پاکت مینویسند .

اقسام آغازهای نامه

بوزراء و صاحبان مراتب بزرگ (در صورتیکه نامه خصوصی باشد):

بزرگوارا

بمحرمین و روحانیون : بشرف عرض عالی می‌رساند .

نسبت پدر: پدرجانم، پدر مهربانم، قبله محترم، قبله گاه، پدر بزرگوارم

پ مادر : مادر جانم ، مادر مهربانم ، امید گاه

برادر یا خواهر بزرگ : برادر بزرگوارم ، خواهر عزیزم ،

بزرگوارم

خواهر جانم .

برادر یا خواهر کوچک: برادر جانم، نور چشم عزیزم، خواهر گرامیم.

بفرزند : نور چشم عزیزم . فرزند دلبندم ، نور دیده ام ، دختر

جانم . پیوند قلبم

بافراد بزرگ خانواده : مانند پدر یا مادر

بافراد کوچک خانواده : مانند فرزند یا برادر و خواهر کوچک

بدوستان : دوست عزیز . مایه امیدم ، رفیق شفیع ، دوست گرامی

دوست یگانه ، عزیزم ، جان عزیزم ، مایه سرور قلبم

باشخاصیکه دوستی و آشنائی در میان نیست و پیش آمده سبب نامه

نگاری شده : آقای محترم ، خانم محترم ، عرض میشود

اقسام مقدمه های نامه

مقدمه در وصول نامه :

- ۱ - مراسم شریفه زیارت کردید و موجب مسرت (۱) شد.
 - ۲ - رقیمة گرامی واصل و از یاد آوری شما مسرور و محظوظ (۲) گردیدم .
 - ۳ - دستخط مبارك زیارت شد بوسیدم و بردیده مالیدم ، از اظهار مراحم عالی مفتخر شده و برخود بالیدم .
مقدمه اظهار ارادت و ابراز اشتیاق
 - ۱ - پس از تقدیم ارادت تصدیع (۳) میدهد .
 - ۲ - نخست وظیفه خود میدانم که عرض ارادت کرده و از ایام دوری شکایت نمایم :
 - ۳ - شب و روز بادرد هجران (۴) میسازم و روزها رامیشمارم که کی سعادت ملاقات نصیب خواهد شد
مقدمه در اعلام سلامتی -
 - ۱ - خدا را سپاسگزارم (۵) که سلامتی حاصل و ایام بکامیابی و کامرانی میکند .
 - ۲ - اگر از راه مرحمت استفساری [۶] از حال چاکر بفرمائید از توجهات ذات عالی سلامت بوده و کامیابی حضرت را از یزدان باك خواستارم .
 - ۳ - حال من خوب جز از دوری شما ملالی ندارم .
 - آنگاهی - اگر نامه ستان از حیث مقام بزرگتر باشد نامه نگار
-
- ۱ - شادی ۲ - بهره ور ۳ - دردسر ۴ - درری ۵ - گزارشتن بمعنی بجا آوردن با [ز] نوشته میشود ۶ - یرسش

نامهٔ او را [دستخط] و مکتوب خود را [عریضه] مینویسد بنا بر این مقدمه
نمره ۳ در وصول مکتوب بشخص بزرگتر از کاتب نوشته شده
همچنین هر گاه نامه ستان بزرگتر شود نامه نگار خود را چاکر،
ارادتمند، بنده مینامد (باختلاف مقام) و نامه ستان را جنابعالی، حضرتعالی
حضرت مستطابعالی (بتفاوت مقام) مینامد. در صورتیکه نامه ستان کوچکتر
از نامه نگار باشد، نامه نگار خود را بنده و گاهی (من) نوشته و
مخاطب را (شما) مینویسد پس مقدمهٔ نمره ۲ در اعلام (۲) سلامتی از طرف
بزرگتر بکوچکتر و مقدمهٔ نمره ۳ از طرف کوچکتر به بزرگتر نوشته شده است.

اقسام مطلب ها

مطلب یا مقصد نامه اقسام بسیار دارد مهمترین آنها بقرار ذیل است

- ۱ - تجارتی راجع است بمسائل تجارت و خرید و فروش
- ۲ - خانوادگی راجع است به تقدیم ارادت و اظهار اشتیاق و
بمسائل خانوادگی
- ۳ - دعوت - نامه نگار، نامه ستان را بمهمانی یا جشن باشکار
یا گردش و امثال آن دعوت مینماید.
- ۴ - تشکر - نامه نگار از نامه ستان اظهار تشکر میکند
- ۵ - تبریک - نامه نگار در مواقع عید و شادی بنامه ستان تبریک
مینویسد.
- ۶ - تعزیت - نامه نگار در مواقع فوت یکی از منسوبان (۲) نامه ستان همدردی میکند

(۱) فهماندن، خبر دادن (۲) خویشان

- ۷ - عذرخواهی - نامه نکار از خطای خود معذرت می‌خواهد .
- ۸ - خواهش - نامه نکار از نامه‌ستان خواهش و تقاضائی مینماید .
- ۹ - شکایت - نامه نکار از تجاوزی (۱) که دیده شکایت میکند .
- ۱۰ - اخبار - نامه‌ستان را از يك واقعه مطلع می‌سازد .
- ۱۱ - ملامت - بخطائی که از نامه‌ستان دیده یا شنیده ملامت میکند .
- ۱۲ - ترغیب - بکار خوبی که از نامه‌ستان دیده یا شنیده تشویق مینماید .

- ۱۳ - توصیه - شخص دیگری را نامه نکار بنامه‌ستان معرفی میکند .

- ۱۴ - شفاعت - از گناه شخص دیگر، نامه نکار معذرت می‌خواهد .
- آگاهی - نامه‌های اداری نیز اغلب راجع میشود بر اخبار، ملامت، ترغیب، حکم انتصاب، انفصال و امثال آن .
- مثالها برای اقسام نامه‌ها در بخش‌های دوم و سوم نوشته خواهد شد .

اقسام پایانهای نامه

- ۱ - عریضه خود را بدعاگوئی ذات عالی خاتمه میدهم .
- ۲ - زیاده زحمت نمیدهد .
- ۳ - همیشه منتظر ارجاع (۱) خدمت هستم .
- ۴ - آنکه هرگز فراموش نمیکند .
- ۵ - احترامات فائقه (۳) را تقدیم میدارد .
- ۶ - بقیه عرایض خود را بهفته دیگر واگذار میکنم .

۷ - سلام‌های قلبی و صمیمی بنده را بپذیرید.

۸ - دوست شما ، ارادتمند شما و امثال آن .

اقسام عنوانهای نامه‌ستان

قبل از نام نامه‌ستان اقبایی مینویسند و پس از آن دعائی ذکر میکنند
دعا در نامه‌های پارسی معمولاً يك جمله عربی است چنانکه از مثالهای
ذیل معلوم میشود .

شاه : خاکبای مقدس اعلی حضرت شاهنشاهی خلد الله ملكه (۱)

بیشگاه اقدس بندگان اعلی حضرت شهریارى ادام الله سلطنته (۱)

وليعهد : مقام منبع والا حضرت اقدس ولایت عهد دامت عظمته [۲]

رئيس الوزراء : مقام منبع [۳] ریاست وزراء عظام دامت شوکته [۴]

« (در صورتیکه خصوصی باشد) حضور مبارك حضرت اشرف آقای

..... رئيس وزراء عظام دامت شوکته .

وزراء : مقام رفیع (۳) وزارت جلیله ... دامت شوکته .

وزراء [در صورتیکه خصوصی باشد] : حضور مبارك حضرت مستطاب اجل

عالی آقای ... وزیر محترم ... دامت شوکته

رؤسای ادارات : مقام محترم ریاست جلیله اداره ... دام رفعتہ (۵)

« [در صورتیکه خصوصی باشد] : حضور مبارك حضرت مستطاب آقای

... رئيس محترم اداره ... دامت رفعتہ

نسبت بمحترمين و افراد بزرگ خانواده : حضور مبارك جناب مستطاب

۱ - شهریاریش جاوید باد ۲ - بزرگواریش همیشه باد ۳ - بلند ، ۴ -

فرش پاینده باد ۵ - همواره پایگاهش بلند باد.

آقای دام اجلاله العالی [۱]

خدمت ذی شرافت حضرت مستطاب آقای..... دام اقباله العالی [۲]

نسبت بعلماء و روحانیون : محضر مبارک حضرت مستطاب ملاذ الانام [۳]

[حجة الاسلام] آقای دامت افاضاته [۴]

بانوان : حضور حضرت علیه (یاسر کار علیه) ... خانم دامت عفتها .

نسبت بهمقطاران و دوستان : خدمت جناب مستطاب آقای..... دام اقباله

نسبت بافراد کوچک خانواده وزیردستان : خدمت آقای..... دام اقباله

مجلس شورای ملی : ساحت مقدس مجلس شورای ملی شیدلله ارکانه [۵]

هیئت ها ، ساحت محترم هیئت دامت بقاؤه (۶)

القاب اشخاص و اشیاء

حضرت اشرف ، مخصوص رئیس الوزراء ، جناب اشرف . مخصوص ریش

مجلس شورای ملی ، جناب مستطاب اجل ، حضرت مستطاب اجل ،

مخصوص وزراء

در مواقع غیر رسمی، جناب مستطاب تمام اشخاص محترم نوشته میشود

در موقع نام بردن حیوانات و اشیاء آنها را با اسمی ذکر میکنند

چهار بابان را [رأس] منسوجات و اقسام لباس را [ثوب] ، فرش ، عمارت

و باغ و زمین را [قطعه] دکان و سرارا (باب) انواع ماشین را (دستگاه)

کشتی و هوا پیمارا [فروند] اقسام اسلحه را قبضه و آتشی که جفت هستند [زوج]

و اغلب اشیاء را [عدد] مینویسند . در اشیائی که بتعداد معین خرید و فروش

۱ - فرش جاوید باد . ۲ - همیشه بختش یار باد . ۳ - پناه مردم . ۴ - نیکمپاهش

یابنده باد . ۵ - پایه هایش استوار باد . ۶ - پایدار باد .

میشود (دست) و (دسته) مستعمل است .

مانند پنج رأس اسب ، دو نوب شلوار ، چهار قطعه فرش ، یک قطعه باغ ، دو باب اطاق ، چهار دستگاه ماشین قطعه ، دو دستگاه ساعت ، سه فروتن کشتی ، دو قبضه تفنگ ، چهار زوج کفش و دو زوج جوراب ، دو عدد لیوان (۱) چهار عدد دستمال ، دو دسته (۲) کاغذ و یکدسته قاشق و چنگال .

تمرین ها

۱ - بگوئید که آغاز نامه های ذیل بکدام اشخاص باید نوشته شود
دوست یگانه ام ، قبله معظم ، پدر بزرگوارم ، خواهرجانم ، دایی جانم
مهربانم ، انیس مهربانم ، نورچشم عزیزم ، نور دیده ام ، دختر عزیزم ،
همشیره گرامی ، آقای محترم ، آقای عزیز ، عرض میشود ، معروض
میدارد . بشرف عالی میرساند ، آموزگار بزرگوارم ، بزرگوارا ،
آموزگارا ، خانم محترم ، امید دلم ، مشفق مهربان ، یار مشفق ، عزیزم
دوست جوانم ، دوست دانشمندم

۲ - پدرتان چه آغاز نامه هایی مینویسید بگوئید .

۳ - پنج مقدمه بنویسند که دلالت کند بر رسیدن نامه :

۴ - پنج مقدمه بنویسید که دلالت کند بر اعلام سلامتی خودتان

۵ - پنج مقدمه بنویسید که دلالت کند بر پرسش حال نامه ستان .

۶ - تاریخ ۱۳۸۷/۸ یعنی چه ؟

۷ - پنج پایان نامه بنویسید

۱ - لیوان بمعنی آبخوری (بنظر میرسد که از نام قرینه لیقوان یا لیوان

- نزدیک تبریز - گرفته شده و در طهران اصطلاحاً بتمام آبخوریها اطلاق شده .

۲ - ۲۰ ورق ،

- ۸ - نامه‌ای که با دارة معارف مینویسد عنوان را چگونه مینویسد .
- ۹ - عنوان نامه‌ای که بمدير دبستان مینویسد بگوئيد
- ۱۰ - نامه خصوصی با نامه اداری چه فرق دارد .
- ۱۱ - موقع عيد چه نامه‌ای مینویسند
- ۱۲ - بشاگردیکه در امتحان قبول شده چه نامه‌ای باید نوشت
- ۱۳ - عنوان نامه‌ای که بدوست خودتان مینویسد بگوئيد
- ۱۴ - حيوانات و اشیاء ذیل را با چه اسمی ذکر میکنند .
- کاو - سماور - فنجان - چراغ - اتوموبیل - کالسکه -
کوسفند - مغازه - مزرعه - هواپیما - پرده - صندوق - کاسه
سینی - گوبشواره - کلاه - پیراهن - میز - قابیچه - بخاری -
تخم مرغ - شمشیر - ششلول - انگشتری .
- آسماهی - بخش نخستین [دستورانشاء] در خور تعلیمات کلاسه‌های
پنجم و ششم دبستانها بوده و بخش دوم کتاب مخصوص کلاسه‌های پنجم
و بخش سوم مخصوص کلاسه‌های ششم دبستانهاست .



بخش دوم

درخور تعلیمات کلاسهای پنجم دبستانها

- ۱ - نامه‌های خانوادگی ۲ - نامه‌های دوستانه،
- ۳ - نامه‌های دعوت و تبریک و خواهش، ۴ - نامه
- های پرسش و گلیه و ملامت و تشویق، ۵ - نامه
- های تشکر و تعزیت و معذرت، ۶ - موضوع
- های ساده و صفی، ۷ - موضوع های اخلاقی
- ۸ - نشر کردن نظم و بعضی دستور های دیگر
- ۹ - تمرینات

۱ - نامه‌های خانوادگی

از پسر پیدر

آقا جانم دوری از فیض حضور عالی که مدتی است از نصایح
دلپذیر و گرانمای قبله گاهیم محروم هستم بعدی بنده و خانواده را
بریشان خاطر کرده که شرح آن از عهد قلم بیرون است با این
بریشانی آنچه مایه تسلی قاب است اشتغال (۱) به تحصیل و کسب کمالات
میباشد که همواره برایشکارم تشویق و وسایل آنرا فراهم فرموده اید

(۱) مشغول شدن ، پرداختن.

فعلا در کلاس پنجم دبستان مشغول تحصیل و آموزگاران محترم از مراتب تحصیلات و حسن رفتار و اخلاق بنده کمال رضایت رادارند استدعا دارم در جواب عریضه با ارسال دستخطی سر افراز و مفتخرم فرمائید .

جواب : از پدر به پسر

نور چشم عزیزم خط شریف را مطالعه کرده و محظوظ شدم امیدوارم بزودی نعمت ملاقات نصیب گردد خوشوقتم که زحمات من در تربیت شما بهدر نرفته و در تحصیلات ساعی و کوشا و باخلاق و رفتار خودتان مواظب و بینا هستید سلامهای مرا با افراد خانواده و دوستان برسانید و هر هفته از گذارشهای (❀) خانواده کی مستحضرم [۱] دارید .

از دختر به مادر

مادر جان چند روز است که از آغوش مهر و محبت مادر عزیزم دور و با غم و ملال هم آغوش هستم از یزدان پاك خواهانم که بزودی زیارت حضرت سرکار علیه را نصیب فرماید و ملال هجران (۲) را بسرور وصال تبدیل سازد تمنی دارم با ارسال مرقومه بانس اشتیاق

(۱) خبردار (۲) دوری (❀) گذارش بمعنی ماوقع با (ذالوزاء) هردو صحیح است و جمع آن گذارشها صحیحتر و فصیحتر از گذارشات است که بعضیها معمول میدارند.

آبی بپاشید و کمینه (﴿﴾ را از دعای خیر فراموش نفرمائید.

جواب ، از مادر بدختر

دختر جان نامه نور چشم عزیزم را چندین بار خواندم این جا که از مکالمه شیرینت محروم هستم از مکاتبه دلنشینت سیر نمیشوم غمی که از دوری شما در دل بود با دیدن خط شریف بر طرف گردید لیکن بر اشتیاقم افزوده شد امیدوارم چند روزه کارهای خود را خاتمه داده مراجعت کنم و یکدستگاه ماشین کلدوزی سفارش داده‌ام که هنگام برگشتن بدختر عزیز ارمغان آورم از خدا خواهانم کامکار و کامروا باشید .

نامه برادر بخواهر

خواهر عزیزم هنگامیکه در کنار مادر مهربان و بزرگوارم می‌نشینید و با دیدار خانواده شاد و خرم می‌باشید بادی از برادر مهجور و دور از وطن و خانواده نمائید که پیوسته قلبش بیاد وطن و مادر بزرگوار و خواهر عزیزش می‌بپزد (۱) امیدوارم در قسمت تحصیلات خودتان کوشا هستید از جانب بنده دست مادر جانم را ببوسید و هر که لطفی کرده و از بنده حالی پرسد سلامهای قلبی مرا در مقابل تقدیم دارید .

(﴿﴾ اگر نامه نگار زن یا دختر باشد خود را کمینه می‌تواند بنویسد و این لقب مخصوص زن است .

(۱) می‌تپد با (تاء منقوط) صحیحتر و با طاء مولف مشهور تر است.

۲ - نامه های دوستانه

(اظهار ارادت)

دوست گرامی هر روزیکه بدبستان میروم از آن رفیق عزیز یاد آوری میکنم ساعتی را که روی يك تخت نشسته و درس خود را حاضر میکردیم و زنگهای تفریحی را که با هم در حیات دبستان بازی مینمودیم یاد میکنم و تأسف میخورم امیدوارم که جنابعالی نیز مشغول ادامه تحصیل بوده و بنده را فراموش نفرموده اید مثنی (۱) است که گاه گاهی با ارسال نامه ای مسرور و مفتخرم فرمائید .

جواب

رفیق عزیزم نامه شریف زیارت شد از خواندنش محفوظ [۲] و از یاد آوری جنابعالی متشکر گردیدم . بنده نیز در دوری آن یار عزیز با آن دوست گرامی همدرد هستم ، امیدوارم بزودی ایام مفارقت سپری شده و بفیض ملاقات نایل گردم ، پیوسته دوی درد هجران را از یزدان بالا خواهانم آنکه شمارا فراموش نکرده و نمیکند (امضا)

اخبار (۳) ملاقات

عزیزتر از جانم مدتی است که از دیدارتان محروم و با این مهجوری میسوزم و میسازم سپاس میگذارم (۴) یزدانرا که ایام مفارقت خاتمه مییابد و تا بیست روز دیگر کارهای خود را انجام داده و مراجعت خواهم کرد باور کنید که در این مدت با یاد شما مسرور بوده و امیدوارم این بیست

۱- خواهشمند ۲- بهره مند ۳- خبر دادن ۴- گزاشتن - (با زاء) -

بجا آوردن

روز باقی نیز بامید نزدیکی ملاقات چندان سخت و ملال انگیز نگذرد. اراده‌های قلبی را بپذیرید که تا روز دیدار جز این چند کلمه بریشان در روی نامه ارمغانی نمیتوانم تقدیم دارم .

جواب

یار مهربان نامه کرامی رسید خواندم و از شادی برقص آمدم بشارت دیدار نزدیک بقلب آتش گرفته از فراق آب باشید همیشه چشم براه و گوش بزنگ هستم که کی بسعادت ملاقات نایل خواهم شد راستی لذت زندگانی در وصال و دیدار دوستان است این چند روز دوری را با کمال انتظار و بیصبری و اشتیاق بسر میبرم که گفته اند [و عده وصل چون شود نزدیک - آتش شوق تیزتر گردد.



۳ - نامه‌های دعوت ، تبریک ، خواهش

نامه دعوت دوستانه

رفیق شفیقم جمعی از دوستان بگانه روز جمعه بنده را بصرف ناهار سرافراز خواهند فرمود چون مجلس بی وجود آن یار عزیز رونقی ندارد متمنی است با تشریف فرمائی خود تان بنده منزل را مقتضی (۱) داشته و ارادتمند را متشکر سازید .

قبول دعوت

دوست عزیزم مرقومه شریفه واصل با آنکه روز جمعه بسی کارهای لازمی دارم حضور در مجلس دوستان و استفاده از

(۱) سرافراز

حضور عالی را بتمام کارهای دیگر مقدم داشته با کمال میل و اشتیاق شرفیاب حضور مبارك خواهم شد

دعوت پزشک (طیب)

حضرت آقای دکتر دام اجلاله

پس از تقدیم ارادت معروض میدارد که یکی از منسوبان از سه روز قبل مبتلای سرما خوردگی بوده و امروز مرض شدت یافته و فعلاً (۱) قادر بحرکت نیست مئمنی است قبول زحمت و تشریف قدوم ارزانی داشته مریض را معاینه و بمعالجه و مداوا پردازند تا ازحسن توجه حضرتعالی بزودی بهبودی حاصل شود احترامات فائقه را تقدیم میدارد :

دعوت پدر بمسابقه ورزش

پدر بزرگوارم امروز سه ساعت بعد از ظهر ازطرف شاگردان دبستان مسابقه ورزش و بازیهای علمی در ورزشگاه بموقع نمایش گذاشته خواهد شد و جمعی از معارف پروران نیز حضور خواهند داشت بنده نیز جزو مسابقه دهندگان هستم مستدعی است محض تشویق چاکر قدم رنجه فرموده و در ساعت مزبور حضور بهم رسانید که در میان همسالان مفتخر و سرافراز باشم .

نامه های تبریک عید

بزرگوارا وصول عید ملی نوروز وسیله مفتنمی است که تبریکات صمیمانه را بضمیمه ارادهای قلبی تقدیم حضور مبارك کرده و سعادت حضرتعالی و متعلقان را ازبزدان باک خواستار باشم .

دوست ارجمندم بامید ملاقات و تقدیم تبریک حضوری شرفیاب گردیدم
تشریف نداشتید مایوس مراجعت کردم بجبران محرومی از تبریک شفاهی
بدینوسیله تبریکات خود را تقدیم میدارم

نامه تبریک موفقیت در امتحان

رفیق عزیزم مژده دادند که در امتحان موفقیت حاصل کرده اید . مراتب
سعی و کوشش و پشتکار که جنابعالی دارید همواره موجب موفقیت است از
این مژده مسرورم و بدین مختصر تبریکات خود را تقدیم داشته و همواره
کامیابی و کامرانی آن یار عزیز را خواهانم .

نامه تقاضی برای انجام کار

دوست بزرگوارم باتنگای لطف و مرحمتی که نسبت بارادتمند دارید
استدعا دارم روز ... در منزل تشریف داشته باشید تا شرفیاب شده در
حضور مبارک بخدمت حضرت ~~می~~ خطاب آقای ... رئیس محترم اداره ...
برویم امیدوارم حسن توجه جنابعالی در انجام امر معهود موثر واقع شده
و به نتیجه مطلوبه نایل باشم که همواره شکر گزار این مرحمت خواهم بود

نامه اجازه مرخصی [از شاگرد به مدیر دبستان]

بزرگوارا امروز بمناسبت مسافرت قبله گاهی آقا جانم بطهران مجبوراً
از آمدن بدبستان معذور هستم و کمال تأسف را از این تعطیل اجباری
دارم مستدعی است اجازه مرخصی مرحمت فرمائید فردا سر وقت حاضر
شده و در ادای تکالیفی که امروز کاران معظم داده اند قصور نخواهم
کرد و تعطیل امروزی را جبران خواهم نمود .

با تقدیم احترامات

تقاضای شاگرد

حضور آقای مدیر محترم دبستان دام اقباله

خاطر مبارك مسبوق است كه نكارنده از اول سال پيوسته در تحصيل ساعی و كوشا بوده و با تصدیق آموزكاران بزرگوارم در ردیف شاگردان اول کلاس محسوب هستم بواسطه مقتضیات سن و وسایل تحصیل و اوضاع خانوادگی در امور تحصیلی بنده تاخیر شایسته نیست مستدعی است بذل توجه فرموده و اجازه مرحمت فرمائید تا پس از تعطیلات تابستان در شهر بور ماه امتحان کلاس پنجم را داده و سال دیگر در کلاس ششم مشغول ادامه تحصیلات باشم احترامات فائقه را تقدیم میدارد .

نامه های پرسش و گلایه و ملامت و تشریق

نامه پرسش از حال بیمار

دوست گرامی شنیدم کسالتی دارید بقول شاعر (تفت بناز طیبیان نیازمند مباد) انشاء الله بلا دور است و صحت و بهبودی نزدیک . از استماع این خبر ماولم و بهبودی آن یار عزیز را از یزدان پاك خواهان محض اینكه موجب زحمت نشوم از عیادت حضوری خودداری کرده و بدین وسیله مراتب ارادت خود را تقدیم داشته و منتظر استماع خبر صحت وجود مبارك هستم .

نامه پرسشی از پدر بفرزند

فرزند عزیزم مدتی است كه نامه ای از شما نرسیده هر چند میدانم مشغول امتحانات بوده و شوق تحصیل از یاد پدر غافلان کرده باز مقتضی است با همین پست از جریانات امتحانات خودتان و اوضاع خانواده چند کلمه

مرقوم دارید تارفع نگرانی گردد .

نامه پرسش از شاگرد باموزگار

آموزگار معظم در املاي کلامه [سابقه] بنده و همشاگرد عزيزم آقای دچار اشکال گردیده ايم بنده عرض ميکنم با [سين] نوشته ميشود و ايشان معتقدند که با [صاد] صحيح است متمني است املاي آنرا در ذيل اين ورقه مرقوم فرموده و بر مراتب تشکر و امتنان بنندگان بيفزائيد.

نامه گلابيه دوستانه

عزيزم [مازياران چشم ياري داشتيم] مدتي است يادي از ارادت‌منند نميکنيد و پيامي نميفرستيد و با نامه‌اي يادم نمي‌نمائيد اين کم لطفی راسبب چيست نظر به [۱] يگانگي که در ميان است بنده را حق ميدهد که از اين رفتار بيگانگي گلابيه و شکوه کنم متمني است نامه‌اي بفرستيد و نام مرا از دفتر ارادتمندان حاک نسازيد

دوست پاوفاي شما

نامه شکايت

آقای محترم رويه خلاف نزاکت [۲] و ادب از کماشنگان سرکار عالي ديده شده و بدون حق و جهت از طرف ايشان تجاوزی بحقوق اينجانب شده نظر باینکه مهتقدم جنابعالي اطلاع نداريد بخودتان شکايت ميکنم و در صورت عدم توجه مراتب بمقامات رسمي عرض خواهد شد .

(۱) هنگاميکه اتصال (به) موجب اشتباه شود جدا نوشتن بهتر است

به يگانگي اگر متصل شود بيگانگي خوانده ميشود . (۲) استعمال کلامه نزاکت خلاف قاعده است ولي نظر باشتهار واصطلاح ميتوان استعمال نمود .

نامه ملامت (از مادر بدختر)

دختر جانم بکارنامه تحصیلی شما نگاه کردم شکفت دارم از نمراتی که گرفته اید در قسمت خیاطی نمره بسیار پست دارید در صورتیکه میدانید برای دختران اداره امور خانگی و خیاطی و تدبیر منزل در بایست [۱] است متأسفانه نمره اخلاق شما نیز تعریفی ندارد من در دیدن این کار نامه برای آنکه دختر منید شرمسار نمیدانم شما چگونه نزد آموزگاران و همشاگردان شرمسار نمیشوید و تغییری در اخلاق و رفتارتان نداده و بر مراتب سعی و جدیت خودتان نمیافزایید .

نامه ملامت از پدر بفرزند

نورچشما شمارا نورچشم خطاب میکنم ولی می بینم که استحقاق (۲) این خطاب را ندارید زیرا موجب تاریکی چشم و ملال دل من شده اید . شنیدم که امسال از امتحان مردود شده و باز در کلاس پنجم مانده اید و از اخلاق و رفتارتان نیز همه منادی (۳) هستند با اینحال چگونه شمارا نورچشم خطاب کنم امیدوارم این مختصر ملامت من مؤثر واقع شده بعد از این سعی و کوشا باشید و با اخلاق و رفتارتان مواظبت نمائید .

نامه تشویق — از پدر بشاگرد دبستان

شاگرد عزیزم شما معنی تحصیل را خوب فهمیده اید آموزگاران محترم همگی از رفتار و مراتب سعی و کوشش شما راضی هستند و در امتحان نیز رتبه اول را حاز (۴) شده اید تمام اعضای دبستان قدر چنین شاگردی

(۱) لازم و ضرور . (۲) لیاقت . (۳) در عذاب (۴) دانه

را میداند و من نیز بدینوسیله اظهار رضایت میکنم و امیدوارم این رویه را همیشه حفظ کنید .

۵- نامه‌های سپاسگزاری، همدردی، پوزش

نامه تشکر پدر (در جواب تبریک)

دوست یگانه در روز نوروز نخستین ارمغانی که از دوستان دیدم نامه تبریک شما بود من درقبال (۱) این احساسات دوستی جز تشکرو سپاسگزاری چیزی دیگر نمیتوانم تقدیم کنم یزدان توانا شما را کامیاب و این عید را برای شما و متعلقان کرامیتان مبارک فرماید .

نامه همدردی

بزرگوارا از خبر تأسف بخش فوت پدر بزرگوارتان همه شریک غم و ملالند قلم بنده را آن یارا نیست که در اینموقع اظهار تعزیت یا تسلیتی کند خود را در این مصیبت بزرگ همدرد معرفی میکنم و متذکر میشوم که در اینمواقع جز صبر و شکیبائی چاره‌ای نیست خدا روح آن مرحوم را قرین آرامش و آسایش و بازماندگانش را زندگانی دراز و توفیق و سعادت عطا فرماید .

نامه تشکر (جواب)

عزیزم نامه همدردی جنابعالی ملاحظه شد هنگام ابتلاء (۲) همدردی های دوستان تسلیت بخش است از این اظهار مرحمت سپاسگزار و سلامت و کامیابی شما را از خدا خواهم ،

نامه تشکر و قدردانی (از شاگرد به آموزگار)

آموزگار بزرگوارم نه خامه را آن یارا و نه نامه را آن بهناست که

از زحمات چندین ساله آموزگار عزیزم تشکر کنم بهتر این است از این اندیشه در گذرم که روی قلبم احساسات حق شناسی نبشته شده و تا عمر دارم شاگرد حق شناس بوده و هرگز فراموشکار نخواهم بود .

نامه پوزش [عذرخواهی از حضور]

دوست عزیزم نامه دعوت شما رسید از این یادآوری ممنون و سپاسگزارم متأسفانه کسالت مزاج مانع شرفیابی است بدین مختصر معذرت خواسته و نمیخواهم با حضور خود دل دوستان را مکدر سازم [کافسرده دل افسرده کند انجمنی را]

باتقدیم احترامات فائمه

نامه پوزش و تقاضی (از شاگرد بمدير دبستان)

بزرگوارا بمناسبت درد چشم و ممانعت آقای دکتر از مطالعه و نوشتن که لفاً تصدیق پزشك معالج را نیز تقدیم میدارم امروز از ادای تکالیف کتبی و حفظ دروس باز مانده‌ام از این تقصیر اضطراری (۱) معذرت خواسته و متمنی است امر و مقرر فرمائید که آموزگاران محترم در این قسمت ملاحظه و از این قصور اجباری باز خواستی نفرمایند .

نامه پوزش (از فرزند پیدر) — (در جواب نامه ملامت)

قبله گاه محترم مرقومه پدر بزرگوارم زیارت کردید ملامتهای آقا جانم چنان افسرده‌ام ساخته که در این چند روز خجالت و شرمساری بعرض جواب موفق نشده‌ام بالاخره بدست آویز این بیت (گر عظیم (۲) است از فرودستان گناه — عفو کردن از بزرگان اعظم (۳) است) بتقصیرات

خود معترف [۱] و تقاضی عفو دارم امیدوارم از تقصیرات گذشته در گذرید که قول میدهم در آتیه حرکتی از بنده سر نخواهد زد که موجب رنجش خاطر شریف بدر عزیز گردد .

نامه معذرت (در نوشتن مکتوب)

دوست مهربانم ملا متم فرموده اید که نامه نمی نویسد و یادی از دوستان نمیکند هر چه نوشته اید حق دارید بنده خود بگناه خویش اعتراف دارم یاور کنید اگر چه در نامه نگاری بواسطه تراکم [۲] کار قصوری رفته ولی همیشه مهر و محبت های سرکار بیش چشم مجسم و روی دلم منقوش است . بوزشم را بپذیرید و فراموشکارم خطاب نفرمائید .

نامه تشکر از ارسال تحفه

برادر بزرگوارم يك جلد شاهنامه فردوسی که بعنوان تحفه ارسال فرموده بودید واصل گردید از این لطف بیکران [۳] رهین [۴] ممتن فرموده اید کتاب مزبور پیوسته زیر دستم بوده و از خواندن اشعار آن محظوظ میشوم و هنگام قرائت محبت های برادر عزیزم را مجسم میکنم در مقابل این مرحمت تشکرات خود را تقدیم میدارم .

۶- موضوعات وصفی

بهار

موسم بهار هنگام جوانی روزگار است باغ و دشت باسبزه ها و گل های رنگارنگ مزین کوه و صحرا با خلعت نوروزی آراسته است .
شاخه کلاه شکوفه بر سر نهاده و ساقه جامه زهر دین در بر کرده

آن يك از شادی میرقصد و این يك از نشاط در اهتزاز [۱] است غنچه
دهان باز کرده و میخندد هزار دستان [۲] نغمه میخواند
ابر چون دایه مهربان بشیر باران اطفال شاخ را پرورش میدهد جهان
خندان است

ساقه كوچك گیاه سراز خاك بیرون میکند یخها آب شده و جریان
مینماید آبشارها با آهنگ مخصوص از بالای تپهها سرازیر میشود. دوره
جوانی روزگار شروع شده چه موسم بهار هنگام جوانی روزگار است .

ایران

خوشا مرز (۲) ایران عنبر نسیم

ایران ای خاك باك ما اطفال دبستان ترامی برستیم در راه استقلال (۴)
تو جانها فدا میکنیم و سرها میبازیم مهرت باجان سرشته شده و از
دل بیرون نمیرود محبت تو شرط ایمان است . توانائی ما از توانائی
تست . بزرگی ما از بزرگی تست ، سعادت مادر سعادت تو ، سلامت مادر
سلامت تو .

ایران نامت چه دلربا و جانبخش است نام تو ورد زبان است کام ما
کامیابی تو . ناموری ما ، ناموری تست .

تو یادگار مهین نیاکانی (۵) تو خونهای برپهای جوانانی تو جانمائی
تو روشنی دیده مائی . تو نور چشم و سرور دل ما هستی تو مادر مهربان
مائى باهوای تو پرورش یافته ایم و هوای مهرت هرگز از دل بیرون نمیرود
آب تو گوارا ، باد تو سالم ، خاك تو باك است ، آتش عشقت در قلب ماست

(۱) جنبش از شادی ۲- بابل ۳- جا ۴- آزادی ۵- اجداد

ما خود را برای فدا شدن در راه آزادی و بزرگی توحاضر میکنیم .
دانش می آموزیم تا خدمتی بسزا در حق وطن انجام دهیم .
زنده باد ایران !

دانش

[توانا بود هر که دانا بود]

دانش توانائی می بخشد و در کارها بینائی ، دانش جهان را اداره
میکند پیشرفتهای شکفت انگیز امروزی در سایه دانش است ،
دانش راههای دور را نزدیک ساخته ، در آنی با حرکت انگشتی
شهری را روشن میسازد نیروی دانش به تمام نیروهای طبیعی چیره گردیده
انسان چون مرغ میبرد و چون ماهی شنا میکند این قدرت نیروی دانش است ،
دانش اندوخته است که هر چه صرف کنند افزوده گردد و هرگز
فنا نپذیرد ، دانش در روزهای تنگدستی یار غمخواری است که انسان
را از سختیها میرهاند و در هنگام درویشی بضاعتی است که صاحب خود
را توانگر میسازد ، دانش زیور انسانی است ، نادان از زندگی بهره ای
ندارد و مرده است زنده یا زنده است مرده کوشش کنیم و دانش آموزیم
که در راههای پر پیچ و تاب زندگی ما را دانش رهبری خواهد کرد در
دربای بی پایان جهان از گردابهای سخت ما را رهائی خواهد داد ،
اگر نادان باشیم همیشه خوار و بیمقدار خواهیم بود زندگانی ما
تلخ و ناگوار خواهد شد ،
امروز نیروی دانش بر همه نیروها چیره است و چنانکه فردوسی
شاعر نامی ایران فرموده
توانائی در دانا ئی است .

(دبستان)

دبستان جایگاه دانش و هنر و پایگاه بزرگی و سعادت است دبستان
مارا پناه میدهد و سنگ نادانی را از دامن ما میزداید با مدادان پانشا
تمام بسوی دبستان رهسپار می شویم همسالان و دوستان در حیاط دبستان
جمع آمده و همه شاد و خرم هستند.

آهنگ دلنواز رنگ مارا باطاق درس میخواند آهنگ رنگ در
گوش ما از صدای هزار دبستان بسی خوشتر است زیرا نغمه آن مارا
بعلم و دانش دعوت میکند اطاق درس ، نیمکتها ، تخته سیاه ، نقشه های
دیوار بالاخره هرچه بدبستان متعلق است محبوب ما شاگردان دبستان
است همه آنها را دوست میداریم . سالهاست بدین اشیاء بیجان انس
گرفته ایم این اشیاء را بیجان نمیتوان گفت آنها جان دارند با ما صحبت
میکند و مارا براه سعادت و خوشبختی میخوانند .

یزدان را سپاس میگذاریم که مارا نیرو بخشیده که در دبستان
دانش می آموزیم و از ذلت نادانی رهائی مییابیم آینده ما روشن و بانور
دانش تابناک است .

بدبخت اطفالیکه از تحصیل علم باز مانده و از ساحت دبستان
دورند . بدبختتر از ایشان کسانی هستند که با کمال بی میلی بدبستان
می آیند و تنبلی میکنند و دانش نمی آموزند که همیشه نادان و بدبخت
خواهند ماند .

دانش طلب و بزرگی آموز تابه نگرند روزت از روز

مادر

مادر . چه کلمه شیرین و دلچسبی است قلب مادر را بجز محبت فرزندان چیزی دیگر اشغال نکرده .

مادر بنام نا ملایمات شکیباست و نمیخواهد تا میتواند نمگذارد کمترین رنجشی بفروزش برسد .

شبهای دراز سر بیالین استراحت نگذاشته بالای سر ما لای لای گفته هنگام گریه ما با نوازش دلداری داده و بادست مرحمت اشک از چشمان ما پاک کرده هر چه بگریه و فریاد افزوده ایم مادر مهربان بر نوازش و محبت خود افزوده

ای مادر شکیبائیت بیچه حد است وزحمت تو در تربیت ما چه بسیار خواب را بر خود حرام کرده ای تا ما راحت بخوابیم ، رنج و ملال را بدل خود راه داده ای تا ما رنجور نشویم ، زمانیکه مریض میشویم تو از غصه مریضتر از ما میشوی ، کلامه کلامه حرف زدن را بما یاد میدهی و هرگز عصبانی [۱] نمیشوی ، اندک اندک راه رفتن را میاهوزی و هیچوقت خسته نمیگردی ، با مهر و محبت از رفتار بد ما جلوگیری میکنی و با نوازش و مرحمت باخلاق نیک عادت میدهی .

ای مادر تو فرشته باکی ای مادر همیشه آغوش تو پناهگاه اطفال است .

ما ترا دوست میداریم و حق ترا هرگز نمیتوانیم ادا کنیم ،

ما در سبب هستی ماست پرورش دهنده ماست همیشه این شعر را
حفظ کرده و میخوانیم و مادر را دوست میداریم
چون هستی ما ز هستی اوست تا هستم و هست دارمش دوست

۷- موضوعات اخلاقی

کوشش

بکوشید تا جامه تنگ نبوشید

کوشش دواى بیماری خوارى و گمراهی است مورچه را به بینید
که چنان دانه بزرگتر از خود برداشته و شتابان بجانب لانه روان است
زحمت نمیشناسد و خستکی نمیداند ، زنبور عسل را نگاه کنید که
بهر گلی می نشیند و کوشش مینماید تا انگبین بسازد . مرغ کوجک را
بنظر آورید که از هر جائی خاشاکی و از هر گوشه ای پوشاکی جمع
میکند و برای خود و جوجگانش آشیانه میسازد

در جهان همه کار میکنند و کوشش دارند

ما انسانیم و از همه موجودات برتریم چگونه ممکن است بیکار
باشیم و کوشش نکنیم

امیر تیمور را حکایت کنند که در جنگی مغلوب گردید و در
پناه دیواری پنهان شد موری را دید که دانه بزرگی از دیوار بالا میبرد
چندین مرتبه بای مور لغزید و افتاد باز دانه را برداشت و در دیوار بالا
رفت تا عاقبت بمقصود خود رسید امیر تیمور بخود بانگ زد که تو
چگونه از موری ضعیفتر و عاجز تری بکوش و کار از پیش ببر .

در مقابل کوشش همگی کارهای سخت حل میشود کوشش محال را ممکن میسازد .

هر که کوشاست ارجمند است و هرگز در زندگانی دچار خواری و بیچیزی و بستی نخواهد بود . هرچه بنظر مشکل می آید کوشش میفهماند که بسیار آسان است .

هرگاه ما کوشش نکنیم و انتظار خوشبختی داشته باشیم بدان ماند که تخمی نکاشته و درختی پرورش نداده منتظریم دانه جمع آوریم و میوه گرد کنیم .

تا برده رنج کنج میسر نمیشود مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد

همنشین بد

انسان هرچه ، نیک و بد ، به بیند در صدد تقلید برمی آید ، تقلید طبیعی است آیا حس نکرده اید تا یکی از دوستان خود را می بینید که بازی میکند . شما نیز مایل بازی میشوید تا نگاه میکنید که همه مطالعه مینمایند . بمطالعه میل میکنید . برادر و خراهر را به بینید که بیک لهجه حرف میزنند ، اخلاقشان یکی است ، عاداتشان بسیار شبیه است اینها همه نتیجه همنشینی است در همنشینی اثر شکفت انگیز است آدمی هرچه خودداری کند از عهده بر نمی آید

آیا ندیده اید يك میوه گندیده میوه های دیگر را هم خراب میکنند مگر ملاحظه نکرده اید يك پارچه پید زده پارچه های دیگر را نیز فاسد میسازد بیائید که دوستان و آشنایان شما نیگرفتار و پاکدامن و خوش اخلاق باشند ، مواظبت نمائید که همنشینان شما دانا و خردهمند و صاحب

عادات نيك شوند . بترسيد از رفيق بد كه شما را بگرداب بدبختی رهبری مينمايد بهراسيد از همنشينان بدكار كه شما را نيز چون خودشان ميكند . پيشينيان گفته اند كه از يار بد فرسنگها بگريز كه يار بد از مار بد ، بدتر بود

همنشینی با بدان پرتگاهی است كه تا انسان بخود آيد ميلنزد و خود داری نمیتواند

همنشین بد لكۀ روغنی است كه اگر محسوس هم نشود بمحض نشستن گردوغبار كثافت آن معلوم میگردد و رنگ آنرا تیره میسازد گردو غبار مانند اخلاق بد است اگر همنشین شما بد باشد شمارا هم پیدا خواهد كرد .

بزرگان بندها گفته اند و ما را از همنشينان بد ترسانیده اند چنانكه حافظ میفرماید از معاشر (۱) نا جنس احتراز (۲) كنید دیگری گفته

همنشین تراز تو به باید تا ترا عقل و دین بیفزاید

دروغگوئی

دروغگوئی خوئی است نكوهیده . همه از شخص دروغگو بیزارند و همراهی با او نمیخواهند .

اگر کسی بما دروغی بگوید از او نفرت مینمائیم كه اعتماد (۳) از او برطرف میشود بقول وعهد (۴) او اطمینان نمیكنیم چه او ما را گول میدهد و حقیقت را از ما پنهان میسازد . از دروغگو دوستی بر

نمیخیزد که دوستی او نیز از راه دروغ است .
 آدم دروغگو وقار ندارد میان مردم اعتبار ندارد او را آدم
 نمیتوان شمرد چه آدمی جز از راست حرفی نمیزند و جز راه راست
 نبوید و بجز از راستی نجوید .
 دروغگوئی انسانرا بهمه گناهان بزرگ مرتکب میسازد چه گناه خود را
 در زیر دروغگوئی پنهان میسازد .
 تصور نباید کرد که دروغگوئی در پرده میماند همه چنانکه دوغ
 را از ماست فرق میگذارند دروغ را هم از راست تشخیص میدهند
 بدابحال آنکه نامش بدروغ مشهور شد حرف راستش را هم باور نمیکنند و
 همه باچشم نفرتش نگاه مینمایند . انگشت نمای دور و نزدیک میکردد
 در میان مردم بدخواری میماند و کسی او را بدوستی نمی گزیند .
 وای بحال محصلیکه دروغ بگوید همدانش او را بدروغگوئی میشناسند
 آموزگارش از او نفرت مینمایند حرف راست هرگز آسیمی نمیرساند
 اگر آسیب هم برساند بهتر است که انسان زبان خود را بادروغ بیالاید
 راستی موجب رضای خداست کس ندیدم که کم شد از ره راست

۸- نشر کردن نظم و دستورهای دیگر

نشر کردن نظم

نشر کردن نظم یکی از فنون انشاست اگر بخواهید نظمی را نشر
 کنید دستورهای زیرین را بکار برید :
 ۱ - معنی نظم را خوب بفهمید که مقصود شاعر چیست .

(*) مقصود از نشر کردن نظم در این کلاس نه تفصیل و نه اختصار است .
 بلکه نوشتن جملات نظم بترتیب نشر است .

- ۲- خلاصهٔ يك يا چند بيت را كه ميخواهيد تر كنيد در نظر آوريد
- ۳- با دقت شروع به تر نماييد و توجه كنيد كه جمله‌ها و عبارتهای تر مانند نظم نشود
- ۴- دستور زبان فارسی را مراعات نماييد و كلمات را جای خود بكار برید
- ۵- شرایط انشاء را كه قبلا خوانده اید ملاحظه كنيد

مثال

- نظم : در سخن بادوستان آهسته باش تا ندارد دشمن خونخوار گوش [۱]
 تر : هرچه بادوستان كوئی آهسته كوئی تا دشمنان نداند
- نظم : زنا با كزاده مداريد اميد كه زنكي بشستن نكردد سفید (۲)
 تر : از نا با كزاده اميد نبايد داشت كه زنكي بشستن سفید نكردد
- نظم : هر كه در خرديش ادب نكند در بزرگی فلاح از او برخاست
 چوب تر را چنانكه خواهی بیچ نشود خشك چو باتش راست (۱)
- تر : کسی را كه در كو چكي تربيت نكند در بزرگی
 راستكار نمي كردد نه بينی كه چوب تر به آسانی بهر طرف خمیده شود
 لیكن چوب خشك را آتش راست مي كند
- نظم . خواهی كه بهین كار جهان كار تو باشد
 زين هردو یکی كار كن از هر چه کنی پس
 يا فائده ده آنچه بدانی دگری را يا فائده گیر آنچه ندانی زد گر كس (۳)

نثر : بهین کار جهان آنست که یکی ازدو کار را کنی یا آنچه میدانی بدیگران بیاموز و فائده رسان یا آنچه نمیدانی از دیگران یاد گیر و فائده بدست آور .

ب عبارت دیگر (مختصر) مفید (۱) باش یا مستفید (۲)

ب عبارت فارسی دیگران را بیاموز یا از دیگران بیاموز

نثر پند نظامی بفرزندش

ای چارده ساله قره العین (۳) بالغ (۴) نظر علوم کونین (۵) (۶) نثر - نورچشم من ای فرزند چهارده ساله ، نظر تو اکنون بدانشهای دو جهان رسیده .

هنگام غفلت گذشت ، وقت بازی سپری شد . زمان هنر و سرفراز بست ،

دانش طلب ، بزرگی بیاموز تا فرزادایت از امروز بهتر شود .

خواهی که بزرگوار وارجمند شوی فرزندی من سودت ندهد .

آرزوی دولت داری سپس را بدست آور و تا توانی با خلق ادب نگاهدار .

هر ورقیکه میخوانی بکوش تا معنی تمام آن بدانی

گفتار از من و کردار از تو بیکار نباید نشست .

تکمیل جملات

در هر یکی از جمله های زیرین کلمه ای نوشته نشده آیا میتوانید پیدا کنید:

کتاب پنجم صفحه ۸ - نثر شش بیت ۱ - فائده دهنده ۲ - فائده

گیرنده ۳ - نورچشم ۴ - رساننده ۵ - دو جهان

(طهران بهمن : ممانکت ایران است)
 آشکار است که کلمه (بایبخت) نوشته نشده . همچنین در جملات ذیل
 چو نیکی کنی نیکی .. آید برت (نیکی)
 هر که با پادشاه نشیند نیکی نبیند (بدان)
 سال چهار فصل دارد : بهار ... خزان ، زمستان (تابستان)
 مسکوکات برهه را از طلا یا برهه درست میکنند (نقره)
 غم ... نشاید خوردن امروز (فردا)

جمله سازی

از کلمات ذیل جمله بسازید .
 بزرگ ، خدا ، است [خدا بزرگ است]
 بدان ، نیاموزی ، از ، نیگوئی [ارمدان نیگوئی نیاموزی]
 بیدار ، خفته ، کی ، را ، کند [خفته را خفته کی بیدار کند]

حذف (۱) کلمات زاید (۲)

(این قسم تمرین برای محصلین بهترین وسیله تقویت [۳] انشاست)
 در جملات و عبارات ذیل هر کلمه ای که زاید است قام بزنید
 کتاب گلستان را فردوسی ، سعدی ، حافظ تالیف کرده
 [چون کتاب گلستان تالیف سعدی است کلمات فردوسی و حافظ زاید است]
 پنج رأس ، عدد ، باب مغازه دارم [کلمات رأس ، عدد زاید است]
 در فصل بهار گل ، بابل ، موی میروید و ار ، باران میبارد
 هوا ، بخاری رو بگری میگذارد

() اداختن . (۲) زیاد . (۳) قوت دادن (نیرو)

(کلمات بلبل ، موی ، ابر ، بخاری زاید است)

تاریخ ، جغرافیا ، دستور ، از حالات گذشته‌گان بحث میکند .

(جغرافیا ، دستور زاید است)

یک مردی بی چیزی بدوست ، رفیق خود میگفت شکر بکزار
کن که چون مانند من نیستی .

[کلمات يك ، ی ، دوست ، کن چون ، - یا کلمات بك ، ی ،
رفیق ، بکزار . مانند ، زاید است]

مردی بی چیز بدوست خود میگفت شکر کن که چون من نیستی
مساعدت کردن بدیگران وظیفه و تکلیف ماست (کلمات کردن

و تکلیف زاید است)

تصحیح جمله های غلط

مردان دلاوران از کمین بدرجست [مردان دلاور از کمین بدرجستند]

منوچهر از همای بزرگ است (منوچهر از همای بزرگتر است)

هر اشخاص میبایست کار کند [هر کس باید کار کند]

حق بحق دارنده میرسد [حق بحقदार میرسد]

از بدها نیکی نیاید [از بدان نیکی نیاید]

دو عدد اسب خریدم [دوراس [سر] اسب خریدم]

دو عدد کفش میخواهم (يك جفت کفش میخواهم)

انتخاب کلمه

در این تمرین شاگرد باید از میان دو یا چند کلمه مترادف (۱)

کلمه ایراکه مناسبتر و مستعملتر [۲] است برگزیند

(۱) دو کلمه هم معنی . (۲) بکار تر .

[تحصیل کرده] ، (نموده) : (تحصیل کرده)
 (علم) ، (دانش) آموز : (دانش آموز)
 (هرگاه) (اگر) بفرمائی (شاید) (گویا) از عهده برآیم
 (اگر بفرمائی شاید از عهده برآیم)
 ما در (درجه) (کلاس) (اطاق) پنجم (مدرسه ابتدائی)
 (دبستان) تحصیل میکنیم (ما در کلاس پنجم دبستان تحصیل میکنیم)
 (جوانا) (ای برنا) (بند) (اندرز) (نصیحت) پیران را گوشدار
 (بنوش) (بشنو) (جوانا بند پیران را گوشدار)
 (ساحت) (مقام) (حضور) محترم آقای عزب‌خان
 (حضور محترم آقای عزب‌خان)
 (شخص) (کس) (آدم) (تبل) (غیرساعی) (کسلان)
 بکار نیاید (آدم تبل بکار نیاید)

پیدا کردن جای کلمات

از جمله ها و چامه (۲) های زیرین چند کلمه برداشته شده جای
 کلمات را پیدا کنید : رکزن - درشتی - نرمی - پیش - حد - نرمی -
 هیبت (۳) - درشتی - مرهم - ناقص (۴)
 خشم بیش از ... وحشت آرد و لطف (۵) بیوقت برد نه
 چندان ... کن که از تو سیر کردند و نه چندان ... که بر تو دلیر شوند .
 درشتی و ... بهم در به است چو ... که جراح و ... نه است
 ... نگیرد خردمند ... نه نرمی که ... کند قدر خویش
 (کلیستان سعدی (کتاب پنجم صفحه ۱۳۶)

(۱) جوان . * کلاس با آنکه کلمه بیگانه است مناسبتر و مستعملتر
 از دو کلمه دیگر است . (۲) شعر . (۳) وقار . (۴) کم . (۵) مهربانی .

۹ - تمرینات

نامه های زیرین را بنویسید

- ۱ - نامهٔ فرزند پدش که موفقیت خود را در امتحان خبر میدهد
- ۲ - نامهٔ برادر بزرگتر که برادرش را نصیحت و به تحصیل تشویق مینماید

- ۳ - نامهٔ خواهر کوچکتر راجع باظهار اشتیاق
 - ۴ - نامهٔ فرزند به مادرش راجع بحق مادر و قدر شناسی
 - ۵ - نامهٔ دوست که دوستش را به مهمانی دعوت میکند
 - ۶ - نامهٔ دوستانه شکایت از نقرستان پیام و نامه
 - ۷ - نامهٔ همدردی بدوستی که بمصیبتی مبتلی گردیده
 - ۸ - نامهٔ تبریک بدوستی که بایگاهش بلند شده
 - ۹ - نامهٔ تشکر از شاگرد به مدیر دبستان
 - ۱۰ - نامهٔ دوستانه (تاسف از مفارقت)
 - ۱۱ - نامهٔ تقاضای وجه (دوستانه)
 - ۱۲ - نامهٔ بوزش (جواب نامه فوق)
 - ۱۳ - نامهٔ تقاضای اجازهٔ مرخصی (از شاگرد به مدیر دبستان)
 - ۱۴ - نامهٔ ملامت (از پدر به فرزند)
 - ۱۵ - نامهٔ بوزش (جواب نامه فوق)
- موضوعات ذیل را بنویسید
- ۱۶ - مسافرت به بیلاق و گذارشهای آن
 - ۱۷ - تعطیل دبستان

- ۱۸ - وظیفه فرزندان نسبت بیدر و مادر
- ۱۹ - وظیفه شاگردان در دبستان
- ۲۰ - بموضوعات بخش دوقیم (مهر وطن ، مهر مادر ، کوشش راستگوئی ، دبستان) نظیره (مانند) بنویسید
- اشعار زیرین را نشر نمائید
- ۲۱ - عالم چندانکه بیشتر خوانی چون عمل در تو نیست ، نادانی
نه محقق بود نه دانشمند چار پائی بر او کتابی چند
- سعدی
- ۲۲ - گویند مرا چو زاد مادر بستان بدهن گرفتن آموخت
دستم بگرفت و پایا برد تا شیوه راه رفتن آموخت
لبخند نهاد بر دهانم بر غنچه گل شکفتن آموخت
یک حرف دو حرف بر زبانم الفاظ نهاد و گفتن آموخت
- ایرج میرزا
- ۲۳ - آن یکی نحوی بکشتی در نشست رو بکشتی بان نمود آن خود برست
گفت هیچ از نحو خواندی گفت لا گفت نیم ع-مر تو شد بر فنا
دل شکسته گشت کشتی بان زتاب لبیک آندم گشت خاموش از جواب
باد کشتی را بگردابی فکند گفت کشتیان بدان نحوی بلند
هیچ دانی آشنا کردن بگو گفت نی ایخوش جواب خو برو
گفت کل عمرت ای نحوی فناست ز آنکه کشتی غرق در گردابهاست
- جلال الدین مولوی
- ۲۴ - آراست عروس گل گلستانرا آماده شو ای بهار بستان را

وقتست که در سرود و وجد آرد شور رخ گل هزار دستان را
از برگ شقایق ابر فروردین آویخته قطره های باران را
آن ابر بهار بین که از گوهر لبریر نموده جیب و دامن را
و آن سنبلیگان نگر که بی شانه بر تافته کیسوی پریشان را
قا آنی

کلمات زاید را در عبارات ذیل قلم بزنید ،

- ۲۵ - شاهنامه را (سعدی ، فردوسی ، مولوی) سروده
- ۲۶ - حافظ یکی از [وزراء ، شعرا ، ناطقین] معروف ایران است .
- ۲۷ - هنگامیکه به پدر نامه مینویسند آغاز نامه را به نور چشم عزیزم
قبله گاها - دوست مهربانم (شروع میکنند
- ۲۸ - دو (عدد ، قطعه ، دستگاه) هوا پیما بشهر وارد شد .
جمله های غلط را تصحیح کنید ،
- ۲۹ - آموزگارهای ما مهربان است .
- ۳۰ - رخ شما ماول است
- ۳۱ - از کتابخانه کتابی را خریدم
- ۳۲ - دانش خوب است یا اخلاق
- ۳۳ - چگونه میتوانیم آمدن که پای رفتار نمائیم
- ۳۴ - از چهار حروف [س ، د ، ر ، ل] چند کلمه میتوانید بسازید ؟
- ۳۵ - از چهار کلمه [کل ، سرخ ، همیشه ، نیست] چند
جمله میتوانید بسازید ؟
- ۲۶ - جمله ای بنویسید که در آن دو کلمه (شادی - غم) باشد .

۳۷ - عبارتی بنویسید که سه کلمه [احسان - راه - بیدار] به تناسب آورده شود

۳۸ - عبارتی بنویسید که چهار کلمه [شاگرد ، کتاب ، فردا ، خواب] به تناسب آورده شود .

بجای کلمات غیر مأنوس در جملات و عبارات زیرین کلمات مأنوس بگذارید

۳۹ - در بهار (عرس اشجار) میکنند .

۴۰ - (حفرا نهار) سبب آبادی است .

۴۱ - (عمران بلاد) وظیفه (عباد) است .

۴۲ - (اولاد) (بمثابه) (قره العین) بدراوند .

۴۳ - (ضرب) (بیمحابا) زدی

بجای کلمات غیر مأنوس در جملات و عبارات زیرین کلمات مأنوس

بگذارید .

۴۴ - (آثرو بلان) بالای سر ما چون شاهین بره از میکند .

۴۵ - (هر هفته بکبار) استحمام لازم است .

جمله های زیرین را تکمیل کنید

۴۶ - فردوسی شاعر است

۴۷ - بهار فصل است

۴۸ - دروغگوئی انسانرا میکند

۴۹ - از آه و ختن مدارید

۵۰ - جای کلمات برداشته شده را پیدا کنید

آدمی - خالق - دارند - سیم - هر چه - نقش

به ... جانورند آدمیتی... بس که در آفاق... دیوارند
 سیاه ... زراعت و بیوته برند خلاف آل بدر آید که ... پندارند
 چند کلمه به آموزگاران محترم — در این کلاس باید مواظب
 شد که محصلین جمله های صحیح بنویسند انشای تصویری از عهده شاگردان
 کلاس پنجم خارج است به عقیده نگارنده بهتر آنست که آموزگان بزرگوار
 با تمرین های ذکر شده و نظایر آنها شاگردان را بکار وادارند

پایان بخش دوم



بخش سقم

در خور تحصیلات کلاسه‌های ششم دبستانها

- ۱ - دستورها ۲ - نامه‌های خانوادگی ۳ - نامه‌های تجارتي
- ۴ - نامه‌های نیم رسمی و رسمی ۵ - موضوعات ۵ - روایات
- ۷ - نثر کردن نظم و تفسیر و بسط اشعار و امثال ۸ - تمرینات

۱ - دستورها

نشانه‌های نگارش -- باره نشانه‌ای است که در نگارش بکار میرود هر چند در نامه‌ها و نگارشهای ما بکار بردن این نشانه‌ها عمومی نیست لیکن استعمال آنها در هر نگارشی سبب روشن شدن مطلب و معنی میگردد و هرگز جمله‌ها بهم آمیخته نمیشوند ،

نشانه‌های نگارش بقرار ذیل است ،

۱ - نقطه (.) که در پایان هر جمله گذاشته میشود و میفهماند که جمله تمام شد .

مثال -- آدم خوش معامله شریک مال مردم است .

۲ - فاصله [] [،] که میان جمله‌های ناقص و متمم گذاشته میشود.

مثال : اگر خواهی توانا شوی ، دانش آموز .

همچنین میان جمله‌های کاملی که بهم‌دیگر مربوط باشند ، میگذارند .

بزدان را سپاس دار ، بزرگان را احترام کن ، زیر دستان

را بنواز .

میان چند مسند یا چند مسندالیه گذاشته میشود .
 سال چهار فصل دارد : بهار ، تابستان ، خزان ، زمستان .
 گاهی جمله معترضه را میان دو (فاصله) مینویسند .
 روزی ، چنانکه عادت او بود ، بشکار رفت .
 پس از منادی و اصوات نیز استعمال مینمایند
 دریغ و درد ، که تا این زمان ندانستم
 که کیمیای سعادت ، رفیق بود ، رفیق .
 در فاصله باید کمی توقف کرد .

۳ - نقطه و فاصله (؛)

میان جمله های کامل ، که نسبت مفصل و بهمیدگر مربوط است ،
 میگذارند :

خرما نتوان خورد ، از این خار که کشتیم؛
 دیبا نتوان بافت ، از این پشم که رشتیم.

۴ - دو نقطه (:) :

پس از جمله یا عبارتی بکار میرود که جمله بعد آنرا آشکار سازد
 انسان پنج حس دارد : باصره ، ذائقه ، سامعه ، شامه ، لامسه .

۵ - نشان پرسش (?) :

پس از جمله ای که پرسش را برساند استعمال میگردد .
 کجا میروی ؟ چه میکنی ؟

۶ - نشان تعجب (!) :

پس از جمله یا کلمه ای که تعجب یا تأثر در آن باشد بکار میرود .

آوخ، که بست گشت مرا همت بلند !

۶ - خط (-) برای جدا کردن مکالمه دو نفر بکار میرود :

منوچهر با احمد گفت ، چرا بدبستان دیر آمدید ؟

احمد - معذور هستم - چه عذر داری - کسالت دارم .

خط گاهی بجای فاصله [،] بکار میرود و پس از عنوانها هم

گذاشته میشود :

چنانکه پس از نمره های [۱-۲-۳ و ...] خط بکار برده ایم .

۷ - نقطه و خط (. -) میان جملات کامل که بهم مربوط

باشند استعمال میشود و مانند نقطه و فاصله بکار میرود .

۸ - چند نقطه [.....] در آخر کلامی که هنوز تمام نشده و

جائیکه نویسنده نمیخواهد از آن ذکر کند سه یا بیش از سه نقطه

می گذارند .

مثال : بدو گفتم اگر میخواهی با من همراهی کنی باید که

.... کلام مرا قطع کرد و گفت همچنین برای نشان دادن گذشتن

زمان در میان کلمه ها بکار میبرند .

مثال : حالت مکالمه نداشت این کلمات را بریده بریده میگفت :

خدایا ... یاری ... کن ... میمیرم . بجای (غیره) در آخر کلمات

نیز بکار میرود .

۹ - دو قوس () - جمله های معترضه یا معنی و تفسیر کلمات

را میان قوسین مینویسند .

دی [که یایش شکسته باد] برفت ؛ گل [که عمرش دراز باد] آمد .

۱۰ - نشان ممیزه « - موقعیکه نویسنده میخواهد جمله یا کلمه ای را جداگانه نشان بدهد یا از جای دیگر نقل کرده نشان ممیزه را استعمال میکند .

سعدی در « گلستان » فرموده : « نهر که بقامت مهتر، بقیمت بهتر. »

(دستورهای سودمند)

- ۱ - ربط میان جمله ها را ملاحظه کنید ؛
- ۲ - قواعد دستور زبان پارسی را نگاهدارید ؛
- ۳ - جمله های بسیار دراز استعمال ننمائید که ربط جمله ها از بین میرود نباید مسندالیه از فعل دور باشد که مطلب روشن نخواهد شد .
- ۴ - کلمات مأنوس بکار برید و کوشش کنید که کلمات بیگانه زیاد بکار نبرید ؛

- ۵ - ساده بنویسید و در نوشتن خود را بتکلف نیندازید ؛
- ۶ - نگارش با گفتار فرقی ندارد مکالمه شما با اشخاص مختلف است باید نگارش شما نیز مختلف باشد ؛

- ۷ - در نوشتن نامه ها بایگاه نامه ستان را ملاحظه کنید ؛
- ۸ - از حک و اصلاح لارم در نگارش خودتان خود داری ننمائید پس از نوشتن چندین مرتبه بخوانید و سپس با کنویسی کنید ؛

- ۹ - مختصر و مفید بنویسید و بیخود بمطلب طول ندهید مخصوصاً در نامه های رسمی اظتاب (۱) را روا مدارید که خواننده را ملول میکند ؛
- ۱۰ - از خواندن کتابهای ادبی غفلت ننمائید ؛

- ۱۱ - هر نظمی را که می پسندید تشر کنید ؛
 ۱۲ - انشاء را هنگام آسودگی فکر بنویسید هر گاه احساس خستگی نمودید از نوشتن خود داری نمائید .

۲ - نامه های خانوادگی و دوستانه

(نامه فرزند پیدر در خبر دادن امتحان)

پدر مهربانم اگر در عریضه نکاری قصور [۲] یا تاخیری [۳] رو داده معذورم دارید هفته پیش اعلان امتحانات نهائی از طرف اداره محترم معارف انتشار یافت که از اول خرداد ماه شروع با امتحانات داوطلبان خواهد شد . بنده نیز نام خود را جزو داوطلبان به ثبت رسانیده اینک بحضور کردن دروس مشغولم امیدوارم بر اثر فضل خداوندی و حسن توجهات پدر بزرگوارم از عهده امتحان بخوبی بر آیم بدین مختصر اکتفا میکنم و تمنی دارم از دعای خیر فراموشم نفرمائید .

(جواب)

فرزند عزیزم نامه دلگشت رسید خواندم و مسرور شدم امیدوارم بر اثر کوشش خودتان و حسن تعلیم و تربیت آموزگاران از عهده امتحان بخوبی بر آئید بدیهی است در صورت موفقیت کامل جایزه و مکافات شما را فراموش نخواهم کرد

(نامه فرزند پیدر)

پدر جانم از فضل و لطف ایزدی و در نتیجه کوشش و مراقبت از عهده امتحانات نهائی بخوبی بر آمدم در هر قسمت از مواد امتحانیه

مورد تمجید هیئت محترم ممتحنه و اولیای مدرسه گردیدم نمرات امتحان بنده بطور کلی خوب و رضایت بخش است استدعا دارم همانطور یکه وعده فرموده اید جایزه بنده را مرحمت نموده و سرافرازم فرمائید .

(جواب)

نورچشم گرامی خط شریف را ملاحظه کردم و از اینکه در امتحان کامیاب شده و قبول گردیده اید مشغوف گشتم . البته نتیجه سعی و کوشش همواره موفقیت و کامیابی است . کامران و کامروا کسانی هستند که ساعی و کوشا باشند از یزدان پاك خواهانم که همیشه بکام و سعادت مند شوید امیدوارم در تمام مراحل زندگانی کوشش را از دست ندهید . با همین پست یکدستگاه ماشین تحریر فارسی بعنوان جایزه فرستادم . غیر از این محبت های قلبی و دعای نیک من جایزه بزرگ شماست .

(نامه دوستانه (خیر مقدم)

دوست عزیزم مژده قدوم شریف را شنیدم که سلامتی وارد شده اید و چشم دوستان و علاقمندان را روشن فرموده اید با وجود اشتیاق که بزیارت داشتم گرفتاری های غیر مترقبه مانع شرفیابی گردید فعلا با این چند کلمه خیر مقدم عرض کرده و مراتب اشتیاق و ارادت خود را معروض میدارم امیدوارم بزودی شرفیاب حضور شده و از دیدار آن دوست بزرگوار کامیاب و برخوردار گردم ارادت مند شما ...

(نامه دختر بمادر و تشکر از مهر مادری)

مادر جانم هر چند از آغوش مهر مادر مهربان دورم ولی محبت های دیرین فراموش شدنی نیست و در این مسافت دور نیز از بر تو

مهر مادری بر خوردار می‌شوم از لطف بیکران و توجه کامل دختر
مهیورتان را متشکر می‌فرمائید ارمغان ذیقیمت رسید و بر مراتب شکر
گزاری افزوده گردید مرقوم فرموده بودید که از یاد مادر غافلید ،
مادر جان از این گناه بزرگ توبه میکنم چسان بیداریهای شبهای دراز
و نوازشهای مادرانه و زحمات طاقت‌کداز آن نازنین مادر بزرگوارم فراموش
میشود از بزدان باک طول عمر و کایابی سرکار علیه را خواهانم امیدوارم
بزودی بدست بوسی نایل کردم ،

(نامه برادر بزرگ در وصف اخلاق نیک)

برادر عزیزم حال که یکساعت فراغت حاصل کرده ام میخواهم
از این راه دور با نور چشم عزیز و برادر گرامی چند کلمه مکالمه کنم
و شمارا پیاره قسمتها که بر اثر تجربه های سالیان دراز بدست آمده آشنا
سازم ، عزیزم کسیرا که خوی نیکوست همه مردم طالب اوست
اخلاق نیک شخص را عزیز و محترم میکند عزت و سعادت بار آورد .
بدیهی است دانش زندگی بخش است شخص نادان و مرده یکی است
ولی اگر دانش با اخلاق جمع نشود فایده ندارد از دانش کسی بهره‌مند
نمیکردد که اخلاق پاک دارد تا توانید تهذیب اخلاق بکوشید که
بهر از این زیور بر بهائی برای آدمی در دنیا وجود ندارد .

► نامه شفاعت ◄

مهمین نامورا از زمان دیرین گفته اند که از کهتران گناه و
از مهتران بخشایش ، آشکار است اگر گناه نبود جای بخشایش خالی
ماندی غرض از این تصدیع حامل نامه که از منسوبان این بنده است خطائی

مرتکب شده و اینک بوزش میخواند و باید لطف به حضور عالی می
شاید میدانم که مایوس کردن امیدواران شیوه آن بزرگوار نیست و
خود را نیازمند نمیدانم که مروض دارم عضو تقصیرات او لطفی است
در حق بنده ارادتمند خودتان . سلامهای صمیمانه را تقدیم و کامیابی
حضرتعالی را خواهانم .

﴿ نامه توصیه ﴾

بزرگوارا آورنده نامه جوانی است آزاده و تحصیل کرده
در کارها بصیر و در انجام هر گونه خدمت حاضر، نظر بلطفی که
در حق بنده دگر بخشد تعنی میکنم ایشانرا بخدمتی منصوب و بنده را
مشکر و ممنون بفرمائید .

﴿ نامه تقریظ ﴾

مهن ادیب دانشورا چند روز پیش بست رسید ارمغانی آورد
که به تن افسرده روان بخشید و قلب ملول توان داد این ارمغان نفیس
کتاب است که آن ادیب هنرور در تالیف آن رنجی برده و گنجی
بهوطنان تقدیم داشتهاند عروس ادب را زبوری است بر بها و درخت
دانش را میوه ایست گوارا ، خواندن این کتاب برای همه در بایست
است این بنده بنوبه خود بدین موفقیت سرکارعالی تبریک عرض میکنم درخواست
مینمایم علاقمندان را با تالیف نظایر این کتاب محفوظ و مسرور فرمائید .

﴿ نامه تبریک مقام ﴾

جراید این هفته بشارت بزرگی را حاکی بودند و خبر ترفیع رتبه
و مقام جنابعالی را متضمن ، خواستم احساسات قلبی خود را بوسایل فوری

(تلگراف) عرض کنم خود داری کردم و با خود گفتم که تلگراف احساسات قلبی و صمیمی بنده را نمیتواند آشکار سازد و بنده خود متحیرم که در این مورد چگونه از عهده ادای وظیفه برآیم همینقدر این ترفیع مقام را که از روی شایستگی است تبریک عرض میکنم و از خداوند بمانند خواستارم که بمقامات بالاتر از این نایل باشید و در حقیقت میتوان گفت : باش تا صبح دولتش بدمد کاین هنوز از تایج سحر است .

گلایه دوستانه

مدتی است که از بنده یادی نفرموده و بفرستادن نامه و پیامی شادم نکرده اید بقول مشهور (مارا جو روز گار فراموش کرده ای - جانا شکایت از تو کنم یاز روز گار) . با آنکه میدانید در این گوشه تنهایی و غربت یگانه وسیله شادمانی خواندن نامه های آن دوست عزیز است سبب این کم لطفی را بجیزی نمیتوانم حمل کنم منتظرم که بزودی با نوشتن دو کلمه سلامتی خود را اعلام و بنده را قرین تشکر و افتخار بفرمائید .

جواب

عزیزم نازنین مراسله آن دوست یگانه را زیارت کردم گلایه فرموده و بزبان دوستی عتاب نموده اید که فراموشتان کرده و از اظهار دوستی و اعلام سلامتی خاموش مانده ام . در این مدت کسالت مانع عریضه نگاری شده و گرنه مراحم آندوست بزرگوار و اخلاص ارادتمند معلوم است شکر خدا را که کسالت مرتفع گردیده و امیدوارم بعد از این بیشتر مصدع اوقات شریف شوم .

نامه تودیع (۱)

دوست نازنینم بمناسبت مسافرت فوری که اتفاق افتاد نتوانستم حضوراً شرفیاب شده و مراسم تودیع را بعمل آورم بدین وسیله خدا حافظی کرده و از حضور مبارك مرخص میشوم . ارمغانی که در این مسافرت باخود همراه میبرم محبت ها و مرحمت های آن دوست عزیز است و امیدوارم جنابعالی نیز بنده ارادتمندتان را فراموش نفرمائید .

۳ - نامه های تجارتي

نامه های تجارتي باید ساده باشد لازم است مطلب تجارتي را بطور اختصار و وضوح در نامه بیان کرد . مقدمه یا سر آغاز در نامه های تجارتي اغلب راجع است بوصول نامه یا تاریخ و نمره مکتوب .
نمره مکتوب - در تمام نامه های اداری و رسمی و در اغلب نامه های تجارتي نمره مرسوم و معمول است یعنی هر نامه ای در هر سالی بترتیب نمره مخصوصی دارد و همچنین تلکرافهائی که از يك اداره یا موسسه تجارتي مخابره میشود دارای نمره مخصوصی هستند .

نامه تقاضای خرید

بست گذشته تحت نمره مورخه شرحی راجع بتقاضای خرید ۵۰۰ عدل کاغذ روزنامه ارسال خدمت نمودم متمنی است در خرید آن تسریع (۱) بعمل آورده و بوسایل فوری ارسال دارید که زمینه آن خالی و خریدار هم دارد زیاده عرضی نیست

جواب

مرقومه نمرة مورخه زیارت گردید حسب الامر معادل ۵۰۰ عدل کاغذ روزنامه ازقرار بوطی بیست و پنج ریال خریده و بتوسط کاراژ ارسال خدمت شد و بارنامه عدلها نیز لفاً تقدیم گردید .

تلگراف خرید و حمل

کرمانشاه ، اسلامبولچی قند کلوخی ۲۰۰ عدل خرید حمل تلگرافید . میانجی

جواب

قزوین ، میانجی ، ۲۰۰ منی ۱۵ خرید حمل تفصیل پست . اسلامبولچی

تقاضای مرابطه با یکی از موسسات تجارتي

ریاست محترم تجارتخانه دام اجلاله

پس از تقدیم ارادت و سلام مصدع میگردد که معاملات پسندیده و محسنات امتعه آن تجارتخانه بنده را شایق و فریفته ساخته که با آن تجارتخانه محترم تقاضای مرابطه کنم اینک بدین مختصر تمنی مینمایم شرایط اصلی خرید و فروش را مرقوم بفرمائید تا امتعه لازم در خواست و خریداری گردد .

مراسله تقاضای تقریغ (۱) حساب

پس از عرض ارادت متمنی است حسابهای گذشته را که تا کنون نصفیه نشده و مبلغ تجارتخانه ما طلبکار است تقریغ و وجه مزبور را که بموجب اسناد مدیون (۲) میباشید بفوریت ارسال دارید تا مخلوط

بحسابهای آتیه نشود بدیهی است تا محاسبات گذشته تفریغ نکردند تجدید حساب امکان پذیر نمیشود .

نامه تقاضای قیمت و نمونه

کارخانه محترم پارچه بافی

پس از تقدیم سلام متمنی است بموجب صورت ریز که لفاً تقدیم میشود نمونه پارچه های خواسته شده را با قیمت آنها ارسال فرمائید تا پس از ملاحظه مقدار لازم از هر کدام سفارش داده شود که تهیه و ارسال فرمائید .
احترامات خود را در خاتمه تقدیم میدارد

نامه اخبار تجارتي

محترماً معروض میدارد که برات بمبلغ بموجب حواله جابجایی در وجه آقای کارسازی گردید . نسبت بمطالبات حضرتعالی از جناب که مرقوم فرموده اید معروض میدارد که ایشان مدتی است مسافرت کرده اند و گماشتگان ایشان نیز از دادن وجه خود داری میکنند و امیدوارم که خودشان بزودی مراجعت کنند و مطالبات سرکار عالی وصول شود .
باقی احترامات .

نامه راجع باختلاف حساب

پس از تقدیم ارادت معروض میدارد صورت محاسبه که ارسال فرموده بودید زیارت گردید با ملاحظه صورت محاسبات این تجارتخانه و اسناد موجود در چندین فقره اختلافی مشاهده شد متمنی است موقعی را معین فرمائید که حضوراً بمحاسبات رسیدگی شود تا اختلافات مرتفع گردد .
تقدیم احترامات

آگاهی - در ضمن نامه های تجارتی مختصری نیز از برات و حواله و قبض و یادداشت طلب و قرض و دفاتر تجارتی که مربوط بامور تجارتی است گفته میشود ما اختصار را ملاحظه کرده فقط از هر يك نمونه ای ذکر مینمائیم .

برات و حواله

جناب مستطاب -----

بموجب این حواله مبلغ در وجه ... ده روز پس از تاریخ رویت کارسازی نمائید که در محاسبه محسوب خواهد شد تاریخ - امضاء



تجارتخانه و مؤسساتی که بامور بانکی و بروات اشتغال دارند اینگونه اوراق را طبع مینمایند فقط قسمتهائی را که تغییر پذیر است سفید میگذارند چنانکه از نمونه آن ملاحظه میشود .

تجارتخانه پایدار

نمره

جناب -----

مبلغ ریال در وجه بفاصله روز پس از رویت کارسازی فرموده و بابت حساب مابین ثبت نمائید .

بتاریخ ماه ۱۳ تبریز امضاء

قبض عندالمطالبه

مبلغ ریال طلب از اینجناب است که عندالمطالبه کارسازی نموده و این یادداشت را دریافت خواهم کرد بتاریخ امضاء

دفتر دیگری نیز موجود است که فهرست مراسلات صادره و وارده را در دو صفحه مقابل با تاریخ و نمره و موضوع و حامل و اسم نامه ستان و نامه نگار در آن درج مینمایند که نمونه دو صفحه آن ذیلا نگاشته می شود . (دفتر فهرست نامه ها - اندیکاتور)

مراسلات صادره

ردیف	تاریخ	موضوع	نامه ستان	حامل	ملاحظات
۱۴۵	۱۴۲۵/۲/۱۴	در خصوص حمل عدل قماش	تجارتخانه کاشانی کاشان	اداره پست	

مراسلات وارده (صفحه مقابل)

ردیف	تاریخ	موضوع	نامه نگار	حامل	ملاحظات
۱۴	۱۴۵	جواب حمل قماش و ارسال آن بتوسط کارآزمین المللی	تجارتخانه کاشانی	اداره پست	عدلهادر تاریخ ۱۴۳۵/۳/۱۴ رسید

۴ - نامه های رسمی و نیم رسمی

نامه تقاضای امتیاز (۱) ورقه هویت

اداره محترم سجل احوال

با تقدیم شهادتنامه از طرف معتمدین و موثقین [۲] محل مشعر بر کم شدن ورقه هویت این بنده که تحت نمره از ناحیه سجل احوال گرفته شده بود متضمنی است قدغن فرمائید که امتیاز ورقه هویت بنام بنده صادر گردد .

احترامات فائقه را تقدیم میدارد .

نامه تقاضای ورقه تذکره

اداره جلیله نظمیه

با تقدیم تصدیق نامه اداره صحیه و تصدیق نامه های آبله کوبی و غیره و سواد صدق ورقه هویت احتراماً معروض میدارد که این بنده بعنوان معالجه عازم برلن میباشم متضمنی است امروزه مقرر فرمائید که ورقه تذکره بنام بنده صادر نمایند احترامات فائقه را تقدیم میدارد امضاء

نامه ضمانت برای جواز مسافرت

این بنده ولد دارنده ورقه هویت نمره صادره از سجل احوال ساکن محله کوچه که شغل است نسبت به دارنده ورقه هویت نمره صادره از سجل احوال متولد در سال که قصد مسافرت را دارد ضمانت می نمایم که مشار الیه تبعه دولت علیه ایران بوده و سوء سابقه ندارد هرگاه در دوایر دولتی محکومیتی داشته باشد حاضرم از عهده بر آیم .
تاریخ امضاء .

تقاضای ورقه مالکیت

ریاست محترم اداره ثبت اسناد و املاک
 خانه و باغچه واقع در محله کوچه دارای نمرة پلاك
 متعلق باین بنده که مدتی است به ثبت رسیده و تحدید حدود
 و نشر اعلانات و جریانات قانونی ثبت آن اجرا شده و چندین ماه
 که گذشته هنوز ورقه مالکیت صادر نگردیده است متمنی است امر و مقرر
 فرمائید که در اصدار [۱] آن امر اکید صادر شود که فعلاً مورد لزوم
 است ، تقدیم احترامات امضاء ...

نامه تقاضای خدمت

ریاست محترم اداره جلیله معلوف
 این بنده **حسن مصطفی** دارنده ورقه هویت نمرة ۳۵۶۷ صادره
 از **محله کوچیچین** متولد در سال ۱۳۱۴ که تحصیلات متوسطه خود
 را پایان رسانیده و اینک سواد تصدیقنامه رسمی لفا تقدیم می گردد
 که از لحاظ مبارک خواهد گذشت با تکای [۲] توجهات آن ریاست
 محترم تقاضای ارجاع خدمت مناسبی در آن اداره جلیله مینماید که با
 بذل این مرحمت موجب افتخار و آسودگی این بنده فراهم شده و
 باستظهار (۳) و امیدواری بمراحم و توجهات عالی بوظایف مرجوعه عهده دار
 خواهم بود . احترامات فائقه را تقدیم میدارد .

آدرس **دوربان** تاریخ **۱۴/۱۲/۱۴** امضاء **مصطفی**

نامه تقاضی

مقام منبع وزارت جلیله معارف و اوقاف دامت شوکته
احتراماً خاطر مبارك را مستحضر میدارد این بنده فارغ التحصیل
دانشسرای مقدماتی دختران پس از فراغت از تحصیل که عشق و
علاقه مخصوص بتعلیم و تربیت دختران دارم در صدد تاسیس و افتتاح
دبستان دخترانه بنام « ایراندخت » بر آمده ام متمنی است امر و مقرر
فرمائید که اجازه افتتاح و امتیاز نامه دبستان مزبور صادر گردد
لغاً سواد تصدیق نامه رسمی نیز تقدیم گردید که از لحاظ انور بگذرد
امضاء ...

نامه شکایت (با اداره مالیه)

اداره محترم مالیه

نگارنده با آنکه مالیات سال جاری را مطابق قانون تا ۱۵ خرداد
ماه پرداخت کرده و قبض رسید دریافت داشته ام بر اثر پاره سوء
تفاهمات [۱] از طرف مفتشین آن اداره جلیله میزان مالیاتی این بنده
بیش از حد قانونی معین گردیده و نسبت غفلت یا قصوری در ادای مالیات
قانونی به بنده داده اند لذا متمنی است که مجدداً در این قسمت توجیهی
فرموده و دفاتر تجارتی و میزان عایدات و مخارج کاملاً مورد تفهیم
قرار گیرد تا بان اداره محترم یقین حاصل شود که بنده در ادای مالیات
قانونی قصوری ننموده ام . امیدوارم این مسئله مورد توجه رئیس محترم
و کمسیون معظم مالیه قرار گرفته و موجبات آسودگی این بنده فراهم

گردد . تقدیم احترامات : امضاء

نامه تشکر

ریاست محترم اداره جلیله

امضا کنندگان پس از ادای مراسم احترامات وظیفه وجدانی و ملی خود میدانند که از آقای نماینده آن اداره محترم در قبال خدمات برجسته و اعمال نیک و اخلاق پسندیده معظم له (۱) اظهار شکر گزاری کرده و احساسات خود را بدین وسیله معروض دارند . در ظرف این مدت که ایشان متصدی (۲) این شغل هستند قاطبه (۳) اهالی از خدمات ایشان مسرور و متشکر و دعا گوی دولت علیه میباشند اگر چنانکه مشهور شده در خیال تغییر این مامور لایق از این ناحیه میباشید این بندگان تمنی مینمایند با امر پایداری و برقراری ایشان اهالی این صفحات را عموماً و بندگان را خصوصاً مفتخر و سرافراز فرمائید .

نامه شکایت و تقاضی [به ثبت اسناد]

ریاست محترم اجرائیه اداره جلیله ثبت اسناد ... دام اجلاله

این بنده بموجب سند نمره صادر از محضر نمره مبلغ ریال از آقای طلبکار میباشم نظر بر آنکه موعد مقرر ادای وجه پایان رسیده و مقروض از ادای آن استنکاف [۴] مینماید متمنی است مطابق قانون امر و مقرر فرمائید که مشارالیه مورد تعقیب قرار گرفته و طلب بنده وصول شود . احترامات فائقه را تقدیم میدارد

(۱) معظم له . مشارالیه بجای ضمیر (او) استعمال میشود (معظم له در

موقع احترام) (۲) مشغول (۳) همه (۴) خودداری .

نامه اخبار (بمدعی عموم)

حضور محترم حضرت مستطاب .. مدعی عموم محکمه .. دامت توفیقاته
نگارنده نامه اطلاع میدهد که بدون وصیت و تعیین وصی و قیوم فوت کرده
و مشارالیه جز دو نفر طفل صغیر ورثه ای ندارد اینک از آن مقام محترم
استدعا میشود که توجه فرموده و وصی و قیوم قانونی تعیین فرمائید که
تا اموال دو نفر یتیم حیف میل (۱) نشده و تحت توجهات و مراقبت
حضرتعالی - حق بحقدار برسد . تقدیم احترامات

نامه تقاضای محصل بهیئت ممتحنه

حضور ریاست محترم هیئت ممتحنه دامت توفیقاته
نگارنده نامه محصل دبستان که جزو داوطلبان امتحان
اسم خود را ثبت دفتر اداره جلیله معارف نموده بودم ، روز امتحان کتبی
قبل از ظهر حاضر جلسه امتحان شده و از عهده سؤالات معینه برآمدم ،
متأسفانه بعد از ظهر بواسطه مرض قلبی که از سابق داشتم نتوانستم در
جلسه امتحان بقیه مواد (.....) حاضر شوم با تقدیم تصدیق طبیب موثق
و معالج (۲) متهمی است موقعی برای امتحان کتبی مواد باقی مانده تعیین
فرمائید تا با کمال دلگیری و شکرگزاری حاضر بدادن امتحان شوم ،
بدیهی است عطف توجه خواهید فرمود که سالها زحمات بنده ضایع
نگردد و یکسال دیگر مجبور نشوم که در همان کلاس بمانم ،
احترامات فائقه را تقدیم دیدارد

نامه های اداری

نامه های اداری نامه هایی هستند که از ادارات باشخاص یا با ادارات دیگر نوشته میشود و این نامه ها راجع میشوند به (اخبار - فرمان انتصاب (۱) - دستور های اداری - توییح - تشویق و قدر شناسی - ترفیع (۲) مقام اضافه حقوق - و انفصال و مانند آنها)

چون گفتار در اطراف نامه های اداری از موضوع خارج است محض نمونه یکی دو نامه اکتفا مینمائیم در تمام این نامه ها برای اشخاص القایی نوشته نمیشود و با کمال سادگی مطلب بیان میشود . مقدمه و سر آغاز و پایان لازم نیست ، در عنوان فقط نام شخص را مینویسند ،

نامه انتصاب

نمره ۴۳۶ آقای

حسب الامر وزارت متبوعه اداره ABE شماره از تاریخ ۱۳۰۳/۰۵/۰۵
با مامی بسمت منزه الشامل مینماید که لازم است در سر خدمت خود حاضر شده و مطابق دستور اداری مشغول باشید .

نامه اجازه مرخصی

آقای محمد علی شال

با ملاحظه تقاضا نامه مورخه ۱۳۰۳/۰۵/۰۵ شما از تاریخ ۱۳۰۳/۰۵/۰۵ تا یکماه با استفاده از حقوق اجازه مرخصی بشما داده میشود که لازم است پس از خاتمه مدت در سر خدمت حاضر باشید .
امضاء ملک محمد علی شال

(۱) نصب شدن . (۲) بلند کردن .

نامه قدر دانی

آقای

تظر براینکه شما در ادای وظایف مرجوعه حسن خدمت به خرج داده و راپرتهای (۱) واصله کاملاً رضایت بخش است بنا براین وزارت ... از زحمات و خدمات شما اظهار قدر دانی نموده و بدینوسیله تشویق میکند . امضاء

نامه توییح

آقای

برطبق راپرت اداره شما در ادای وظایف مقررہ تکاھل (۲) و مسامحه نموده و دستورهای اداری را مجری نمیدارید وزارت ... شما را بدین وسیله توییح میکند و اگر چنانکه در رفتار شما تغییری حاصل نگردد ترتیب دیگری اتخاذ خواهد شد .

نامه انفصال

آقای

نظر برآنکه شما با وجود توییح کتبی اداری متنبه نشده و دستور های اداری را اجرا نکرده وظایف مقررہ را انجام نداده اید اداره به خدمت اداری شما از تاریخ خاتمه داده و راپرت آنرا نیز بوزارت متبوعه معروض داشته است .

(۱) (کلمه خارجی) بمعنی خبر . (۲) سستی .

۵ - موضوعات و صفی و اخلاقی

بیرق و وطن

ای برجم (۱) ایران ، زمانیکه با نسیم جاقزا اهتزاز (۲) مینمائی
دل من نیز از شادی حرکت میکند تو نشانه عظمت و بزرگی و استقلال
ایرانی، من ترا احترام میکنم هنگامیکه ترا برافراشته می بینم با قد
برافراشته و خون کرم و جوشان ترا تقدیس و تعظیم مینمایم ترا سلام
میدهم در مقابل تو با حالت خبردار میایستم زیرا که تو خبر دهنده شکوه
و فرو جلال ایران مائی .

شیر و خورشیدیکه در تو نمایان است نماینده سطوت (۳) و روشنائی
ایران است . شیر تو در مقابل دشمنان تیغ کین برآخته (۴) و ایرانیان
را با سطوت و هیبت خود بشارت میدهد . خورشید تو چنانکه روشنائی
بخش دیدگان و حیات جاودان ایرانیان است چشمان دشمنان را خیره
می سازد .

ای برجم شکوه و عظمت . ای بیرق ایران همواره سربلند و
برافراشته باش که سر باندی ما در آن است

دبستان بهتر است یا منزل ؟

منزل مرکز محبت و صفا ، آسایشگاه کوچک و بزرگ است .
پدر از رنج کار و زحمت طاقت فرسای روز با کمال میل و شغف
اهنزل بناء میبرد ، میداند که شیرین زبانیهای فرزندان . رنج روز را
بز یاد خواهد برد .

(۱) پارچه بیرق - عام (۲) جنبش از شادی (۳) هیبت و شکوه (۴) - برکشیده از نیام

فرزندان کوچک در آغوش مادر مهربان غنوده (۱) و چشم انتظار
برسیدن پدر دارند ما محصلین نیز از دبستان مرخص شده و در مقابل
نوازش مادر و ملامت پدر مسروریم افراد خانواده شاد و خندان دور
هم جمع شده بچه های کوچک با شیرین زبانها ، پدر و مادر با خنده ها
و نوازشها ، رنج و ملال را از دل میرایند .

درس تاسر منزل ملال نیست مرغ خرمی و سعادت بال و پر بر سر
فضای منزل خانواده سعادتمند گشوده .

دبستان محل اجتماع رفقای بکدل ، آشنایان یگانه و همسال و
همفکر است ، در حیاط دبستان با دوستان مشغول بازی میشویم و در
کلاس از آموزگاران دانش و ادب کسب میکنیم . هر روز چیزی
تازه می شنویم و هر ساعت بر معلومات خود میافزاییم .

آشکار است که قید در دبستان بیشتر است و ادای وظیفه دبستانی
سخت تر میباشد . لیکن دبستان اولین میدان مبارزه و کوشش داست
دبستان اولین رهنمای محیط زندگانی و اجتماعی داست .

صداقت و وفا . مصومیت و بی آزاری از رفقای دبستانی نمودار است
با این حال چسان میتوان منزل را بر دبستان ترجیح داد آنجا محبت
و صفاست ، اینجا صداقت و وفا . در منزل پدر و مادر مهربان ، برادر
و خواهر عزیز با آغوش باز مارا پذیرائی میکنند . در دبستان آموزگاران
با ملامت و محبت مارا رهنمائی و همگلاسان با حسن اخلاق و ادب
مارا مشغول میدارند .

ما شبها را بانتظار بادداد هستیم تا کتابها را بر داشته و بجانب دبستان رهسپار گردیم و عصر ها که از دبستان و رفقای عزیز دور میشویم ملول میباشیم ولی این ملالت بزودی با دیدار مادر مهربان و افراد خانواده برطرف میگردد پس چگونه دبستان را بر منزل ترجیح دهیم؟ اگر همه مزایای دبستان و منزل را برداشته و بردو کفه ترازو بگذاریم کدام يك سنگینتر خواهد آمد؟

بنظر من کفه دبستان سنگینتر خواهد شد چه زندگانی در منزل با وجود محبت ها و نوازشهای صادقانه که در آن است يك نواخت و شاید خستگی آور است ولی زندگانی در دبستان هر روز تازه تر میشود . رفقای دبستانی بسیارند و هریکی با یکقسم ما را مشغول میدارد . آموز گاران هر روز بر اطلاعات ما می افزایند چشم ما در دبستان هر روز بیناتر میشود . رقابتها ، کوشش ها ، امتحانها که در بچه ها نیست از محیط اجتماع فضای دبستان ، ما را باوضاع اجتماع آشناتر میسازد بالاخره اگر امروز را تنها در نظر بگیریم شاید بتوانیم دبستان را بر منزل رجحان (۱) دهیم ولی آینده ما را منتظر است و این آینده است که بما امر میدهد که دبستان را بر منزل ترجیح دهیم .

چرا تحصیل میکنید؟

سئوالی است که همه حق پرسش را دارند ولی بندرت (۲) شخصی پیدا میشود که چنین سئوالی از ما کند و هر کسی که پرسد نه اینست که سبب تحصیل کردن ما را نمیداند بلکه برای فهمیدن احساسات و ذوق ما

این پرسش را مینماید .

طفل هفت ساله ای که تازه قدم بدبستان گذاشته معنی تحصیل را نمیداند و لذت دانش را نمی فهمد کم کم شروع بخواندن و نوشتن میکند لذت تحصیل را احساس مینماید از نوشتن نام خود ، از خواندن عبارتی شاد و مسرور است . البته احساسات این چنین طفل با احساسات ما که شش سال زحمت کشیده و دانش اندوخته ایم فرق دارد . برای ما آینده درخشان بپزند میزند ما میدانیم برای زندگانی در اجتماع بشری ناچاریم که تحصیل کنیم .

البته مقصود از تحصیل یاد گرفتن چند کلمه از کتاب یا چند مسئله از حساب نیست . این معلومات ابتدائی نخستین مرحله تحصیل ماست . مختصری از تاریخ بما یاد میدهد که دنیا چه تغییراتی دیده و وسایل بقای ملتی و علل (۱) ارتقای (۲) دولتی از چیست . علم جغرافیا ما را بممالك روی زمین آشنا میسازد علم الاشیاء مخلوقات خداوندی و مصنوعات (۳) بشری را تعلیم میدهد ، اشعار شعرای نامی احساسات ما را تحریک میکند ، آموختن قواعد حساب و هندسه و انشاء و نامه نگاری از لوازم زندگانی ماست بالاخره تحصیل این علوم ما را آماده میسازد که قدم با اجتماع گذاشته و بتوانیم زندگی را ادامه دهیم . خلاصه اینکه مقصود از تحصیل آنست که بتوانیم موافق عصر آدمی شده و از عهده وظایف انسانیت برآئیم ،

﴿ فوائد ورزش ﴾

دست راست در اجرای هر فرمان و هر کار چیست و چالاک است. اغلب کارها را با دست راست انجام میدهیم زیرا دست چپ تنبل و مست است و از عهده بجا آوردن کارها بر نمی آید. آیا در خلقت دست چپ ما با دست راست فرق دارد؟ آیا عده انگشتان. استخوانها، رگها و عصبها در این دو عضو متفاوت است؟ البته نه! دست راست ما از هر جهت شبیه دست چپ است پس چرا هر فرمانی که میدهیم دست راست بخوبی و آسانی از عهده انجام آنها بر می آید و دست چپ عاجز و ناتوان میماند.

آشکار است که جز ورزش و زیاد کار کردن علت دیگری ندارد باره اشخاص را می بینیم که با دست چپ می نویسند و اغلب کارهای مهم را با دست چپ بجا می آورند اینها از ابتداء ورزش را بدست چپ داده اینست که دست چپ ایشان همواره حاضر کار و مہیای انجام فرمان است.

هر عضویکه زیاد کار کند نموش بیشتر خواهد بود پس باید همه اعضای خود را بکار وا داریم و آنها را ورزش دهیم تا تمام قسمت های بدن نمو کرده و صحت بدن محفوظ بماند.

بی گفتگو است که تندرستی بواسطه ورزش حاصل میشود. اعصاب محکم، قلب قوی، بازوان توانا در اشخاصی است که ورزش میکنند. کسانیکه از نعمت تندرستی محرومند زندگانی ایشان تلخ و

ناگوار است از عمر خود شان بهره ای ندیده و پیوسته شريك غم و سهیم (۱) ملالند. مایه تندرستی ورزش است. قبل از همه چیر تندرستی لازم است بکوشید که بدن سالم و صحت کامل داشته باشید. تحصیل علوم، کسب ثروت، دفع نا ملایمات بواسطه تندرستی است و تندرستی نیز جز بوسیله ورزش ممکن نیست. نگذارید بقلب حساس شما زنگ ملال و غم، رنج درد و مرض به نشیند.

وطن ما، برادران و خواهران وطنی ما، زندگانی ما نیازمند (۲) قلب شجاع و بازوان توانای ما است ورزش کنید و قلب خود را شجاع و بازوان خود را توانا کنید.

﴿ فایده کار ﴾

دنیا را نگاه کنید که همه مشغول کار و کوشش، حرکت و جنبش است. زیرا که جنبش نشان زندگی است. مورچه دانه بزرگتر از خود برداشته و برای ایام زمستانی تهیه می بیند. زنبور عسل شیرۀ گلها را مکیده و با تمام ذوق مشغول کار و ساختن انگین است از حیوانات بگذریم.

برزگر تخم میکارد و دروگر میدرود دهقان آنرا خرمن ساخته و تخم را از گاه جدا مینماید. آسیابان گندم را آرد کرده و نانوا از آرد نان میپزد.

ملاحظه کنید برای يك لقمه نانی که میخوریم چه مردمان زیادی

شب و روز کار میکنند و چه سان در رنج و زحمتند .
 شبان گوسفند را میپرورد دیگری بشم آنها می چینه و نساج (۱)
 از بشم آن پارچه میبافد و بزاز آنها میفروشد خیاط از پارچه لباس میدوزد
 مشاهده نمائید برای يك چاهه ای که در تن داریم چه اشخاص
 مختلفی در کوشش و تلاشند و در راه تهیه آن چه زحمات بزرگی
 متحمل میشوند .

کاغذی که در روی آن می نویسیم و تختی که روی آن نشسته ایم
 اطاقی که در آن مسکن گزیده ایم نتیجه رنجها و کارهای عده زیادی از
 صنعتگران و پیشه وران و کارگران است .

همه کار میکنند و وظیفه ابرا انجام میدهند زیرا که برای تشکیل
 اجتماع بشری جز این وسیله ای نیست همه باید برای همه کار کنند
 هر کسی که در این دنیای کار و کوشش بیکار باشد بار کردن دیگران
 است و وجود او بمصرف و زندگانی او بیهوده است .

این چنین شخصی طفیل دیگران است که از دست رنج ایشان
 زنده میماند و خود در مقابل خدمتی انجام نمی دهد .

همه باید کار کنیم و پیوسته در کوشش و جنبش باشیم که کار و
 جنبش نشانه زندگی است . و سکوت و بیکاری نماینده مرگ .

﴿ آموزگار ﴾

بدر و مادر ما را پرورش میدهند . زندگی ما نتیجه رنجهای

ایشان است ما ایشانرا احترام میکنیم و در قبال (۱) این توجه و نوازش هرچه در حق ایشان انجام دهیم کم کرده ایم لیکن غیر از پدر و مادر قلوب حساس ما بر از محبت آموز کاران است چه ایشانند که چشم ما را بنور دانش روشن میسازند و ما را برای زندگی سعادت‌مندی تربیت مینمایند ما همه میدانیم آنکه نادان است مرده ایست زنده یا زنده ایست مرده . پس چنان میتوانیم زحمات آموز کاران را فراموش کنیم که ایشان ما را از نادانی نجات میدهند و تعلیمات ایشان راهنمای سعادت ماست و در راههای بر آشوب زندگی بکار خواهد خورد .

ما همیشه نسبت بآموز کاران خود قدر شناس و وفادار خواهیم بود و هرگز زحمات ایشانرا فراموش نخواهیم ساخت .

زمستان

بر گها کم کم زرد میشوند دیگر بابل در بوستان نمیخواند فوج فوج زاغان رسیدن موسم زمستان را خبر میدهند .

گوئی مرض مخصوص و ساری (۲) در میان درختان و نباتات بروز کرده که رنگها زرد و بزمرد شده آن طراوت (۳) طبیعی از دست رفته یا بیاغ و بوستان لشکر غارتگری حمله کرده که زیفت گلهای بتاراج (۴) رفته و زیور درختان را بیغما (۵) برده کسی قدم بیاغ نمیکذارد . باغبان از بن پیش آمد ملول و نالان است با کمال شتاب بازماندگان زیور

۱- برابر ، مقابل . ۲- سرایت کننده . ۳- تری و تازگی . ۴- ۵- غارت و ترکتاز .

بوستان را با دو دست لرزان برداشته و بجای امن و گوشه دوری برده و پنهان میکند گویا منتظر حمله سخت غارتگران است و میخواهد نازنینان باغ و بوستان با این پیش بینی در امان و آسایش باشند . باد تند و سردی وزیدن گرفت برگهای زرد و نحیف (۱) را که هنوز نمیخواستند از مادرشان جدا شوند خواهی نخواهی از پرورش دهنده اصلی جدا کرده و در فضا و زمین دستخوش حوادث ساخت .

این نخستین حمله سخت زمستانی بود . ای برگهای بیچاره مادر شما دیگر قادر به نگهداری شما نیست شما با این حال کجا میروید ؟ غم نخورید که این سرگردانی شما چندان طولی نخواهد کشید نیستی و فنا اینک انتظار شما را دارد !

درختان از بچکان و پروریدگان خود جدا ، لخت (۲) و عربان گامگاهی از شدت رنج لرزان هستند .

آیا روزگار را بهر هنگی ایشان دل سوخت که جامه سفید برف جسد ایشانرا احاطه کرد یا این بیچارگان را از بسیاری غم مرگ فرا گرفت که با کفن سفید آنها را پوشاندند ؟

حیات و طراوت جهان را بدرود گفت نه تنها درختان بمرگ یا بخواب چند ماهه رفتند باره از حیوانات و همه حشرات را نیز مرگ و خواب استیلا [۳] یافت .

مرغان از این اوضاع پریشان رخت سفر بستند و با امید آنکه

جای امنی بیابند ، مهاجرت (۱) اختیار نمودند . خرس در لانه خود
سواپید و حشرات راه نیستی سپردند دیگر پروانه های رنگارنگ که
با تمام شادی پرواز میکردند دیده نمیشوند . این سستی و خواب بآب
نیز اثر کرد آب از جریان ایستاد گویی آب نیز بخواب رفت .
تا آب یخ شد زمان اعتبار آتش رسید اینست که احترام آتش
افزوده شده . خاک آنچه در دل داشت پنهان ساخت زیرا که باد شروع
بمیداندری و جولان کرده است .

✽ امتحان ✽

قانون طبیعی است که باید نیکان را مکافات و بدان را مجازات
دهند . برای انجام این امر مهم نخست باید نیک را از بد تشخیص داد . هر
که به بینید ادعای دانش و خرد میکند و خود را راستگو و راست
کردار و راست پندار معرفی مینماید . ما کسیرا سراغ نداریم که به
عیوب خود معترف شده و بگوید اخلاق من پسندیده نیست کردار من
صحیح نیست . آیا باظهار خالی اشخاص ممکن است معتقد شد .
وسيله ايکه نيك را از بد جدا میکند امتحان است ،
آنچه زر خالص را از فلز مغشوش تمیز میدهد محك (۲) امتحان
است .

مجلس مقدس امتحان است که دست ردّ بسینه جمعی که لیاقت
ندارند میگذارد و فرقه ای را که صاحب استعدادند بدور و نزدیک

• معرفی می نماید .

امتحان محصلین نیز برای تعیین مقدار دانش و کار و استعداد ایشان وضع شده .

در مجلس امتحان عده ای با گردن برافراشته و لب خندان و قوت قلب هستند اینان وقت عزیز خودشان را ضایع ننموده و دانش اندوخته و هنر کسب کرده اند از عهده سئوالاتی که در حدود تحصیلات ایشان میشود بر می آیند ، باکی ندارند زیرا که اعمالشان پاک است . جمعی دیگر سر از خجالت پنهان انداخته و رنگ رخسار از ترس باخته ، مضطرب و پریشانند ایشان آنگاه هستند که در سئوالهای تحصیلی کاری نکرده و علمی بدست نیاورده اند امروز تأسف میکنند و ندامت امروزی فایده ندارد .

امتحان زیرک را از تنبل و هوشیار را از بی استعداد جدا میکند . امتحان آب زلالی (۱) است که بواسطه آن اشیاء کهنه و فاسد از اشیاء تازه تشخیص مییابد ، امتحان محکی است که طلای ناب را سر بلند و مغشوش را روسیاه مینماید . امتحان ترازوی دقیقی است که بی مغزان را از مغزداران تمیز میدهد ،

بکوشید تا درین روز و درین مجلس سر بلند و روسفید شوید .



۱- صاف و گوارا : (چون تخم مرغ را توی آب اندازند اگر کهنه باشد بالای آب میماند و اگر تازه شود زیر میروند) .

۶- روایات

﴿ گردش در ییلاق ﴾

بهمراهی چند تن از یاران یکانه بعزم گردش در ییلاق از شهر حرکت کردیم . همراهان از عهده امتحان آخر سال بخوبی برآمده شاد و خرم بودند .

بقهقهه کبک دری خنده یاران جواب میداد بزمزمه آب جویبار همهههه دوستان غلبه میکرد نه رنجی بر دل نه فکری از دیروز و نه اندیشه ای از فردا .

باد لطیف چهره ما را نوازش میداد مناظر دلربا دیدگان ما را مسرت می بخشید .

دهقانان آستین بیالا زده داس بکف گرفته مشغول درو بودند حرکت و جنبش ایشان درس عبرت برای ما بود مقابل آفتاب تابان با یکدست عرق جبین پاک کرده و با دست دیگر داس را حرکت میدادند و خوشه ها برمیچیدند و خرمن میساختند .

گذرگاه ما کنار مزرعه بود که آفتاب تابستانی تاثیراتی کرده و رنگ لاجوردی کشتزار را بررنگ طلایی تبدیل نموده وزرد ساخته بود. مدتی مقابل دهقانان نشسته به پشت کار و همت ایشان با نظر عبرت نگاه کردیم . یکی از رفقا که در میان همکلاسان شوخ بود خواست سر بسر دهقانان گذارد بیکی از ایشان گفت در این مزرعه

چرا تخم دانش نمی‌کارید که یکی برصد بار دهد و درویدنش سهل باشد.
آن پیر مرد مجرب جواب داد جهان کشتزار بزرگی است و
جهانیان برزیکران . هر کس بسهم خویش باید تخمی بکارد و حاصلی
بر دارد این زمین تخم دانش برنیارد تخم دانش را باید در قلوب مستعد
کاشت و بآب تربیت آبیاری کرد و آفتاب هوش و خرد بر آن بتابد تا
ادب و اخلاق بار آرد و کرنه تخم خوب در زمین شوره نمری ندهد
مگر این شعر گلستان فراموش کرده ای .

زمین شوره سنبل بر نیارد در او تخم امل ضایع مگردان
از این جواب شرمسار شده از آنجا گذشتیم بکنار کوهی رسیدیم
که در دامنه آن بچه شبانی کوسفندان را می‌چرانید و سگ بزرگ
چوبان بالای کوه ایستاده و عوعو می‌کرد . نزدیک به شبان شدیم همان
رفیق فضول ما شبان را مخاطب ساخته و گفت آقا شما پدر این کوسفندان
هستید یا مادرشان و کدام یک ازین اطفال خود را بیشتر دوست میدارید؟
شبان کوچک بسرا پای ما نگاهی کرده و با کمال سادگی جواب داد
من هم پدر اینها هستم هم مادرشان چنانکه پدر و مادر فرقی میان
فرزندان نمی‌گذارد من نیز در میان فرزندان خود فرقی نمی‌گذارم .

رفیق شوخ ما دست بردار نبود پرسید این یکی (سگ را نشان
میداد) گویا برادر شماست که بالای کوه از برادر زادگان
محافظت مینماید .

شبان جواب داد آری آن رفیق با وفای من است چنانکه من

جواب سئوالات تلخ شما را میدهم هرگاه برادر شما (گرگ) بگله حمله کند جواب او را نیز این برادر با وفای من خواهد داد .
در اینموقع سگ خود را پیش خواند که ما از ترس رو بفرار گذاشتیم کمی مانده بود که سگ بما برسد که شبان سگ خود را صدا کرد و از دور صدای قهقهه شبان شنیده میشد که میگفت شما از برادران ترسو تر هستید . آنگاه ما ملنفت شدیم هرگز نباید بدیگران تمسخر کرد و بآنهائیکه در زیر آفتاب گرم برای آسودگی و زندگانی ما زحمت میکشند احترام باید کنیم .

﴿ حکایت ﴾

زنی پیر خری پر بار در پیش داشت و با زحمت زیاد راه میرفت گاه گاهی خاری به پایش فرو میرفت که با یکدست آنرا در می آورد و با دست دیگر خرا میراند بچه بی ادبی آنجا رسید برای اینکه زن پیر را مسخره کند گفت ، سلام ، مادرخر ! آن پیرزال با کمال ملاحظت جواب داد سلام پسر عزیز من !

﴿ حکایت ﴾

پیر مردی که دوران روزگار قدش را دو تا کرده ، لنگ لنگان و عصا کشان میرفت جوانی با قد رسا به پیر نزدیک شد و پرسید ای پیر چه در زمین گم کرده ای که چنین خمیده ای و همواره سر بر زمین داری . پیر جواب داد جان بدر جوانی گم کرده ام و میخواهم بلکه از زمین بیدا کنم .

ای جوان قدر این روزگار جوانی را نیک بدان که روزگارت
زار و خسته خواهد ساخت و قد رسایت خمیده خواهد شد. زمان جوانی
هنکام بهار زندگانی است.

❧ از حکایات گلستان ❧

دو برادر یکی خدمت سلطان کردی و دیگری بزور بازو نان
خوردی باری این توانگر آن درویش را گفت که چرا خدمت نکنی
تا از مشقت کار کردن برهی گفت تو چرا کار نکنی تا از مذلت خدمت
رهائی یابی.

بدست آهك تفته کردن خمیر به ازدست برسینه پیش امیر

❧ نشر کردن حکایات منظوم ❧

❧ از بوستان ❧

شنیدم که دارای فرّخ تبار	ز لشکر جدا ماند روز شکار
دوان آمدش کلمه بانى به پیش	بدل گفت دارای فرخنده کیش
مگر دشمن است اینکه آید بجنگ	ز دورش بدوزم به تبر خدنگ
کمان کیانی بزه ساز کرد	بیکدم وجودش عدم خواست کرد
بگفت ای خداوند ایران و تور	که چشم بد از روزگار تو دور
هن آنم که اسبان شه پرورم	بخدمت درو این مرغزار اندرم
ملك را دل رفته آمد بجای	بخندید و گفت ای نکوهیده رای
ترا یاوری کرد فرّخ سروش	و گر نه زه آورده بودم بگوش
نگهبان مرعى بخندید و گفت	نصیحت ز منم نشاید نهفت

چنان است در مهتری شرط زیست که هر کتیرا بدانى که کیست
 مرا بار ها در حضر دیده ای ز خیل و چرا گاه بر سیده ای
 توانم من ای ناهور شهریار که اسبی برون آورم از هزار
 مرا کله بانى بعقل است و رای تو هم کله خویشتن را پیای.

﴿ نشر حکایت فوق ﴾

حکایت کنند که روزی دارا بشکار رفت و از لشکر جدا ماند.
 کله بانى ازدور پدیدار شد که بطرف دارا شتابان می آمد شاه هراسان.
 گشت و خود بخود گفت همانا این دشمن است که قصد سوئی دارد
 بهتر آنست که از دور با تیرش بزنم و آرزویش را در زیر خاک
 مدفون کنم تیر بکمان گذاشت تا خواست که کمان را بکشد و تیر
 رها کند شبان فریاد بر آورد که اعلیحضرتا چشم بد از روزگار
 حشمت تو دور باد من دشمن نیستم اسبان شاه پرورش میدهم و در
 این مرغزار خدمت شهریار میکنم .

از این سخن دل شاه بجا آمده و بخندید و گفت بخت یاری
 کرد و اقبال رهبری و گرنه جزو مردگان بودی شبان بخندید و
 جواب داد نباید بند از خدمت منعم دریغ داشت . وظیفه بزرگان است
 که کهتران را بشناسند و خدمتگذاران را از خیانتکاران تشخیص دهند .
 مرا که کمترین خدمتگذار شهریاری هستم بار ها دیده ای و از خیل
 و چراگاه بر سیده ای .

من که کله بانى پیش نیستم اسبان خود را بهتر شناسم و از میان

هزار اسب هر اسبی که خواهم بیرون آرم تو نیز گله بان این مردمی
چنانکه من گله خود را نیک حفظ میکنم تو هم گله خود را
محافظت کن .

﴿ از جامی ﴾

شهرئی شد ز ره شهر بدشت	تا کشاید ز دلش گشت گرم
دید از ابنای دهش دهقانی	بردش از راه سوی بستانی
باغی آراسته چون باغ بهشت	بل کز آراستگی داغ بهشت
میوه ها تازه و تر شاخ بشاخ	روزی باغ روان کرده فراخ
شهری القصه چو آن باغ بدید	کاو نفسش به چراگاه رسید
می نکرد از بس و از پیش نگاه	همچو گرگی که قد در ره گاه
کندی آنسان ز درختی سیبی	که رساندی بدرخت آسیبی
ور یکی خوشه ز تانک افکندی	تانک را پایه بخاک افکندی
بیخود بهاش چو دهقان میدید	بر خود از غصه او می پیچید
شهریش گفت ز من این تک وبوی	کر نه بر وفق مراد است بگوی
گفت من با تو چکویم آخر	وز تو انصاف چه جویم آخر
نه یکی دانه بگل کاشته ای	نه نهالی ز گل افراشته ای
نه زهینی ز تو آراسته شد	نه درختی ز تو پیراسته شد
در دات نیست جز این اندیشه	کاین بخود رسته چو کوه و بیشه

﴿ نثر و شرح ﴾

شهر نشینی را آرزوی تفرج ده بسر افتاد که چندی در هوای

دلگشای آزاد رنج دل را فراموش کند و گرم قلبش گشاید از دهقانان یکی او را دید و مرحبائی گفت و بیایى آورد . باغ دهقان چون باغ بهشت آراسته از درختان بار دار و از گلبنان و نونهالان بیشمار باغی که بهشت بر آن حسرت میبرد و رشك میخورد میوه های تازه رسیده در شاخها نمایان و هوش و خرد از شکم پرستان و باغ روندگان میربود .

شهری از تماشای اینهمه میوه های شیرین سر از پا نشناخته و کار نفس و شهوتش بچراگاه خرمی رسیده دست تاراج گذاشت بس و بیش نگاه نمیکرد مانند گرگی که در گله افتد یا گاوی که بچراگاه رسد گیاهان را پامال میکرد و درختان را از بیخ میکند تا میخواست سیبی از درختی بچیند شاخه بزرگی می شکست . برای چیدن خوشه انگوری ، تارك را از ریشه در می آورد و بروی خاک میانداخت .

دهقان بیچاره از مشاهده این حرکات مجنونانه دندانها بهم میسود و دست تاسف بهم میمالید و چون مار زخم خورده میپیچید و حرف نمیزد . شهری گفت اگر از حرکات من رنجیده خاطری فاش بگو که رفتار خود را بپایم دهقان جواب داد چگویم و از تو چه داد خواهی نمایم که در این راه زحمتی نکشیده و رنجی نبرده ای تو در عمرت نه دانه ای کاشته ای و نه نهالی افرشته ای کی زحمت پرورش درختی چشیده و کجا زمینی را با کاشتن تخمی آرایش داده ای تو چه دانی

که بیار آوردن درختی چه رنجی خواهد و پرورش نهالی چه زحمتی دارد همانا خیال مینمائی که اینهمه درختان خود بخود روئیده و بدین حد و قد رسیده است .

انسان آنگاه قدر نعمتی را داند که بزحمت بدست آرد و خود در تحصیل آن رنجی برد و کوشش کند .

۷ - شرح و تفسیر

شرح و تفسیر در انشاء آنست که یتنی یا یکی از حکم و امثال را بسط دهند و در اطراف آن سخن رانند و نظریاتی اظهار کنند شرح و بسط بهترین تمرینی است که بوسیله آن فکر پرورش مییابد و اسلوب انشاء پسندیده گردد .

در انتخاب آیات و امثال باید دقت شود که نتیجه اخلاقی و اجتماعی داشته باشد .

لارم است محصل در موقع شرح و تفسیر نخست در مقصود و موضوع بیت اندیشه کند سپس با بیان ساده و مختصر و مفید شرح دهد و بواسطه امثال و استکالیات بانتهای خود زینت بخشد و از تکرار مکررات که اغلب در موقع شرح اتفاق میافتد دوری گیرند .
برای آشنا شدن محصل بطریق شرح و تفسیر بذکر چندین مثال اکتفا مینمائیم .

از خدا خواهم توفیق ادب

بی ادب محروم ماند از لطف رب

ادب پیرایه بر بهای انسانی است کسیکه از ادب بهره‌ای ندارد از مردمی دور است . مقصودشاعر از کلمه ادب در این بیت اخلاق پسندیده و حسن معاشرتی است که مردمان به صاحب آن می‌گروند و در حقیقت خوی زیبا و رفتار شیوا مقتضایی است که قلوب آهنین را نیز مجذوب میکند و صاحبان بازوان فولادین را هم مطیع می‌سازد . اینست که شاعر از صمیم قلب این دولت پایدار و این نعمت بزرگرا از یزدان پاك خواهان است ما نیز همگی با آن شاعر بزرگوار هم آواز شده و از خدای بزرگ توفیق ادب را خواهیم که کرامت فرماید و ما را از لطف خویش محروم نسازد .

در حقیقت میتوان گفت کسیکه ادب دارد چه نقص دارد و بدبختی که از ادب محروم است در جهان چه دارد ؟
اگر میخواهید که گرامی و محبوب باشید هرگاه طالب آئید که دوستان زیاد بدست آورید در حسن اخلاق و ادب بکوشید که بیگانگان با رفتار نیک آشنا شوند و آشنایان از اخلاق بد بیگانه گردند .
بنده حلقه بگوش ارتناوی برود

لطف کن لطف که بیگانه شود حلقه بگوش

هر چه کنی بخود کنی

گر همه نیک و بد کنی

دنیا باداشخانه ایست که بزودی در قبال اعمال نیک یا زشت ، ما را سعادتمند یا بد بخت خواهد ساخت .

صفحه کیتی آئینه مصفائی است که تصویر کارهای ما را ، چه زشت چه زیبا ، منعکس مینماید . این مطلب را تجارب روزانه و گذشتن زمان آشکار میسازد .

برزگری که جو میکارد گندم درو نمیکند باغبانیکه درخت تلخ پرورش میدهد میوه شیرین برنمیدارد . کسیکه کار نمیکند مزد نمی‌ستاند . اگر در حق دیگران مهربان باشیم و در رنج و آزار مردمان شریک شویم آشکار است که دیگران نیز در حق ما مهربان خواهند بود و هنگام ابتلاء ما را تسلیت خواهند داد .

مردم کیتی بمعاونت هم‌دیگر محتاجند اگر زمان شادی و آسودگی دوستان را از خود برنجانیم هنگام بدبختی و تیره روزی دوستی پیدا نخواهیم کرد هرچه کنیم دیر و زود روزگار نتیجه اعمال ما را آشکار خواهد ساخت . اگر دست نیازمندی را بگیریم دست ما را نیز هنگام نیازمندی میگیرند . هرگاه بای دیگر را بگیریم که بیفتد خود نیز خواهیم افتاد .

در راه دیگران چاه کنیم انتظار چاه نباید داشته باشیم اینست که دانشمندان ما را پند داده و گفته‌اند هر آنچه بخود شایسته دانی بدیگران نیز شایسته دان زیرا که آنچه بدیگران می‌کنیم در حقیقت بخود میکنیم .

ازگشت مکن رنجه بدر کوفتن کس
تا کس نکند رنجه بدر کوفتن مشت .

با علم اگر عمل نکنی شاخ بی بری

فایده دانش آشکار است وصف دانش بتوصیف آفتاب تابان میماند که هر بیننده از آن بهره میبرد و نایبایان نیز از حرارت آن استفاده میکنند علم و دانش نیز چون آفتاب است که دانایان از نور آن متمتع و نادانان از حرارت آن متمتع هستند .

ولی علم را اگر عمل معاونت نکند گنجینه ایست که در زیر خاک پنهان و آفتابی است که در زیر ابر نهان مییاشد .

گنجینه را باید از زیر خاک برداشت و برای استفاده خود و دیگران مصرف ساخت بزرگان گفته اند عالم بیعمل زنبور بی عسل یا درخت بی بر را ماند و در حقیقت بهتر از این تشبیه کردن ممکن نیست زنبور بی عسل نیش دارد و نوش ندارد دانش در دست عالم بی عمل چراغی را مانند است که دزد بدست گرفته (چودزدی با چراغ آید گزیده تر برد کالا) یا کتابی را شبیه است که بچهار پائی حمل کرده اند چار پائی بر او کتابی چند نه محقق بود نه دانشمند

یا درختی را میماند که باغبانش رنج میبرد و آبیاری میکند و پرورش میدهد میوه از او نمی چیند و نتیجه ای نمی بیند این چنین درختی را جز از ریشه کندن و افکندن و سوختن پاداشی نیست .

بسوزند چوب درختان بی بر سزاخواهی اینست مری بی بری را بکوشیم و دانش آموزیم و علم را با عمل توأم سازیم تا زنبور بی عسل و درخت بی بر نمایم .

بدانشهای خود عمل باید کرد تا از دانش بهره‌ای ببریم و اعمال خود را مطابق دستور بزرگان علم و ادب سازیم تا از برکات علم و عمل برخوردار شویم،

کهن خرقه خویش پیراستن به از جامه عاریت خواستن

هر که بنان جوین که با عرق جبین و کتد یمین خویش بدست می‌آورد قناعت مینماید و بار منت دونان نمیبرد سزاوار احترام و افتخار است کسی در جهان حق حیات دارد که وسایل زندگی را بی منت دیگران فراهم میکند بدانچه داریم باید خوشدل باشیم و بدارائی دیگران حسد نبریم. خرقه کهن با خزشدای و آسودگی بتن داشتن از جامه های رنگارنگ عاریتی پوشیدن بمراتب بهتر است. انسان بدارائی خود افتخار باید کند نه ثروت دیگران.

خوشبخت کسیکه زنده پوشد و چشم از جامه پرنیان دیگران پوشد سعادتمند ملتیکه با دسترنج خود وسایل آسودگی و زندگی را فراهم سازد و محتاج اجانب نکردد.

چنانکه فقیر را کلبه حقیر که مخصوص و از آن خویش است از قصرهای دلنشین دیگران جلو‌اش بیشتر و قدرش بالاتر است. یکنفر وطن دوست علاقمند بامتعه وطنی نیز محصولات میهن خود را با کمال میل و شغف استعمال مینماید و از امتعه اجانب ولو اینکه جلو آنها بیشتر باشد دوری میگزیند چه‌اولی جامه خود پیراستن است و دومی لباس عاریت خواستن.

سعدی آن شاعر بزرگ ایران در کتاب گلستان بخود میبالد و افتخار میکند که من در نظم و نثر دست نیاز به پیش این و آن نبرده وار دیگران استعارت نکرده‌ام ما نیز باید در تمام کارهای خود تاسی بمایه افتخار ایران کنیم و آنچه داریم قناعت نمائیم و آنچه فاقد هستیم عاریت جابز ندانیم .

۸ - تمرینات

نامه های زیرین را بتدریج بنویسید

۱- نامه دوستانه برای دعوت بگردش

۲- نامه شفاعت و درخواست عفو تقصیر

۳- نامه ضمانت

۴- نامه دعوت بهروسی و مجلس عقد - بمجلس کنفرانس

۵- نامه تبریک دوستانه در موقع صحت از مرض

۶- نامه تعزیت دوستانه در فوت یکی از مسئولان

۷- بنامه های بخش سوم نظیره ها بنویسید .

۸- نامه تجارتي بنویسید و از اجناس تجارتخانه طرف خودتان

شکایت کنید

۹- يك اعلان تجارتي بنویسید در ذاکر محسنات امتعه تجارتخانه

۱۰- بارنامه تجارتي بنویسید

۱۱- مقاله نامه بنویسید میان دو نفر خریدار و فروشنده که یکی

یکدستگاه اتومبیل با اقساط معین و قیمت معلوم فروخته و قسط اول را پیشکی گرفته .

۱۲- بادره ثبت اسناد نامه ای نوشته و درخواست انتقال ملکی کنید .

موضوعات وصفی و اخلاقی ذیل را بتدریج بنویسید

- ۱۳- مسافرت و گردش در دریا ، جنگل ، کوهسار
- ۱۴- هواپیما ، کشتی ، اتومبیل را تعریف نمائید .
- ۱۵- منافع و مضرات سینما را بنویسید .
- ۱۶- سعی و کوشش .
- ۱۷- وقایع روز امتحان را بنویسید .
- ۱۸- گذارش يك روز را در دبستان بقلم آورید .
- ۱۹- بهترین دوستان کدام است .
- ۲۰- کلاس را بیشتر دوست دارید یا میدان بازی را ؟
- ۲۱- خزان را تعریف کنید .
- ۲۲- از کدام فصل بیشتر حظ میبرید ، چرا ؟
- ۲۳- چه آرزویی دارید و چرا تحصیل میکنید ؟
- ۲۴- چه وظایفی باید در حق همشاگردان خودتان انجام دهید .

اشعار زیرین را نشر کنید :

- ۲۵- زمان کودکی از چهل روزی برادر را زدم با سیلی کین
نبودش چونکه تاب استقامت نشست او گوشه ای محزون و غمگین
- معلم چون شنید این ماجرا را مرا توبیخ کرد و زجر و توهین
از او بیش بدر بردم شکایت روان ازدید گانم اشک خونین
- بدر خندان مرا آهسته فرمود جو بد کردی سزای بد بود این
سه پشته روی شاخ مور رقتن میان لانه زنبور رقتن
- ۲۶- دورویه زیر نیش مار خفتن
تن روغن زده باز حمت و زور

میان لرزوتب با جسم مجروح زمستان زیر آب شور رفتن

بکوه بیستون بی رهنمائی شبانه با دو چشم کور رفتن

برهنه زخمهای سخت خوردن پیساده راههای دور رفتن

بنزد من هزاران بار خوشتر که یکجور زیر بار زور رفتن

اشعار و امثال و حکم زیرین را بسط دهید

۲۷- دوستی را هزار شخص کم است دشمنی را یکی بود بسیار

۲۸- در خانه اگر کس است یکحرف پس است .

۲۹- نیکو گو اگر دیر کوئی چاهم .

۳۰- خود کرده را تدبیر نیست .

۳۱- آرزو بچوانان عیب نیست .

۳۲- باد آورده را باد میبرد .

۳۳- راستی آور که شوی رستگار راستی از تو ظفر از کرد سگار .

۳۴- پنج انگشت برادرند برابر نیستند .

۳۵- زنیرو بود مرد را راستی ز سستی کژی زاید و کاستی

۳۶- دهقان سالخورده چه خوش گفت با پسر

کای نور چشم من بجز از کشته ندروی

۳۷- مگوی آن سخن کاندرا آن سود نیست .

۳۸- اول اندیشه و آنگهی گفتار بای بست آمده است و پس دیوار

۳۹- هر آنچه ز شایسته دانی بخویش همان را تو بر خاق شایسته دان

۴۰- هر که با بدان نشیند نیکی نه بیند .

آگاهی- آموزگاران محترم در ضمن تمرینات حکایاتی شفاهاً بیان کنند که شاگردان

انشانمایند .

پایان

فهرست مندرجات

موضوع	صفحه
بخش اول	
۱- دستور انشاء	۵-۲
۲- نامه نگاری	۷-۵
۳- نمونه تجزیه نامه	۸
۴- اقسام نامه	۱۰-۹
۵- اقسام آغازهای نامه	۱۰
۶- اقسام مقدمه های نامه	۱۲-۱۰
۷- اقسام مطلب ها	۱۳-۱۲
۸- اقسام پایانهای نامه	۱۴-۱۳
۹- اقسام عنوانهای نامه ستان	۱۵-۱۴
۱۰- القاب اشخاص و اشیاء	۱۶-۱۵
۱۱- تمرین ها	۱۷-۱۶
بخش دوم	
۱۲- نامه های خانوادگی	۲۰-۱۸
۱۳- نامه های دوستانه	۲۲-۲۱
۱۴- نامه های دعوت ، تبریک ، خواهش	۲۵-۲۴
۱۵- نامه های پرسش و گلايه و ملامت و تشويق .	۲۸-۲۵
۱۶- نامه های سپاسگزاری و همدردی و بوزش .	۳۰-۲۸

فهرست مندرجات

موضوع	صفحه
موضوعات وصفی	
۱۷- بهار	۳۰-۳۱
۱۸- ایران .	۳۱-۳۲
۱۹- دانش (توانا بود هر که دانا بود) .	۳۲
۲۰- دبستان .	۴۴
۲۱- مادر .	۳۴-۳۵
موضوعات اخلاقی	
۲۲- کوشش .	۳۵-۳۶
۲۳- همنشین بد .	۳۶-۳۷
۲۴- دروغگوئی .	۳۷-۳۸
۲۵- شر کردن نظم و دستورهای دیگر .	۳۸-۴۰
۲۶- تکمیل جملات .	۴۰-۴۱
۲۷- جمله سازی و حذف کلمات زاید .	۴۱-۴۲
۲۸- تصحیح جمله های غلط و انتخاب کلمه .	۴۲-۴۳
۲۹- تمرینات .	۴۴-۴۶
۳۰- اصلاح کلمات زاید .	۴۶-۴۸
بخش سوم	
۳۱- دستورها و نشانهای نگارش	۴۹-۵۲
۳۲- دستورهای سودمند .	۵۲
۳۳- نامه های خانوادگی و دوستانه .	۵۳-۵۸

فهرست مندرجات

موضوع	صفحه
۳۳- نامه های تجارتی .	۶۲-۵۸
۳۴- دفاتر تجارتی .	۶۳-۶۲
۳۵- اقسام نامه های رسمی برائیم رسمی .	۶۸-۶۴
۳۶- نامه های اداری .	۷۰-۶۹
موضوعات وصفی و اخلاقی	
۳۷- برق وطن .	۷۱
۳۸- دبستان بهتر است یا منزل ؟	۷۳-۷۱
۳۹- چرا تحصیل میکنید ؟	۷۴-۷۳
۴۰- فواید ورزش .	۷۶-۷۵
۴۱- فایده کار .	۷۷-۷۶
۴۲- آوازگار	۷۸-۷۷
۴۳- زمستان .	۸۰-۷۸
۴۴- امتحان	۸۱-۸۰
۴۵- روایات : گردش در بیابان	۸۵-۸۴
۴۶- شر کردن حکایات منظوم .	۸۶-۸۵
۴۷- نثر و شرح .	۸۹-۸۷
۴۸- شرح و تفسیر .	۹۳-۸۹
۴۹- تمرینات .	۹۴
۵۰- تمرین در موضوعات وصفی و اخلاقی .	۹۶-۹۵